

بازنمایی هویت رشته مدیریت آموزشی در ایران با تأکید بر مقالات منتشر شده در

مجلات تخصصی

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۵/۲۹

سمیه نعمتی^۱، ناصر شیربگی^{۲*}، نعمت اله عزیزی^۳ و عبدالرحیم نوه ابراهیم^۲

چکیده

هدف: به‌منظور بررسی ماهیت حوزه مدیریت آموزشی در ایران، شناخت مرزهای رشته‌ای، شناخت حیطه‌های مورد مطالعه توسط محققان، رویکردهای معرفت‌شناختی مورد استفاده در پژوهش‌های این حوزه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نویسندگان و نهایتاً ارائه یک الگو برای گسترش کیفی شاخص‌های علمی حوزه، پژوهش حاضر انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: پژوهش با رویکرد تفسیری-برساختی و با روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفت. میدان تحقیق، رشته مدیریت آموزشی و مقالات منتشر شده در مجلات تخصصی مرتبط با مدیریت آموزشی در ایران بود. شیوه نمونه‌گیری هدفمند و ملاک‌محور بود. بدین منظور، همه مجلات مرتبط با مدیریت آموزشی از دواغروه عمده علوم تربیتی و مجموعه مدیریت که تا آذرماه سال ۱۳۹۷ در فهرست نشریات علمی-پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نمایه شده بودند مورد بررسی قرار گرفتند. از این مجموعه، نهایتاً در فاز اول نمونه‌گیری چهار مجله (مدیریت مدرسه، مدیریت بر آموزش سازمان‌ها، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی و مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی) که بیشترین درصد مقالات تخصصی را نسبت به کل مقالات چاپ شده در حوزه مدیریت آموزشی داشتند، انتخاب شدند. در فاز دوم نمونه‌گیری، تمامی مقالات تخصصی چاپ شده در مجلات مزبور که تعدادشان به ۹۴ مقاله رسید انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌های مطلوب و بررسی محتوی مجلات، از یک چک لیست محقق‌ساخته استفاده گردید که اطلاعات مربوط به مقالات از جمله: عنوان اصلی پژوهش، میدان یا جامعه آماری تحقیق، نوع رویکرد معرفت‌شناسی، روش تحقیق بکار رفته و اطلاعات جمعیت‌شناختی نویسندگان به‌وسیله آن احصا می‌شد.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان داد که در کل چهار حیطه اصلی پژوهشی تحت عناوین ویژگی‌ها و مهارت‌های مدیریتی، سبک‌های رهبری، ابعاد شناسایی رهبران توانمند و اثربخشی قابل تشخیص است. هم‌چنین، سه حیطه فرعی پژوهشی تحت عناوین، ارزشیابی، نگرش‌سنجی اعضای جامعه مدرسه و علم‌سنجی در مدیریت آموزشی مورد توجه پژوهشگران و اساتید دانشگاهی حوزه مدیریت و رهبری آموزشی بوده است. در مجموع، ۷۷ درصد از مقالات تخصصی با رویکرد اثبات‌گرایانه و کمی، و فقط ۱۳ درصد از پژوهش‌ها با رویکرد طبیعت‌گرایانه و کیفی یا آمیخته انجام شده بودند. حدود ۹۰ درصد از مقالات از پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی استخراج شده بودند و حدود ۱۰ درصد بقیه مقالات مستخرج از پژوهش‌های مستقل یا طرح‌های پژوهشی سفارشی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات پژوهشی بودند. تمامی نویسندگان مقالات یا از اعضای هیأت علمی دانشگاه و یا دانشجویی تحت راهنمایی آن‌ها بودند. در وابستگی سازمانی هیچکدام از نویسندگان کارورز شاغل در مدرسه و یا محقق مستقل علاقه‌مند به حوزه مدیریت آموزشی ذکر نشده بود. گسترش کمی تعداد مجلات تخصصی در دو دهه اخیر نشان از تلاش استادان متخصص این رشته برای ارتقای استقلال و بازنمایی ماهیت ویژه رشته مدیریت آموزشی از مجموعه علوم تربیتی و تلاش برای افزایش پیوند بین نظریه و عمل دارد. یافته‌های پژوهش از اشارات کاربردی مفیدی برخوردار است: نخست اینکه، به‌نظر می‌رسد همگام با تحولات جهانی حوزه مدیریت و رهبری آموزشی، در یک دهه گذشته در داخل ایران نیز مجلات تخصصی و محققان مدیریت آموزشی درصدد نشان دادن توانایی‌های خود جهت تولید پژوهش‌های عمل‌محور به‌ویژه در حوزه مدیریت مدرسه بودند. دوم اینکه، حوزه مدیریت و رهبری آموزشی شاهد پیشرفت‌های در انجام پژوهش‌های تجربی در خصوص رهبری آموزشی به جای مدیریت آموزشی، بازتعریف و گسترش فهم بیشتر از حوزه مدیریت و رهبری آموزشی، استفاده از ابزارهای روش‌شناختی و چارچوب‌های مفهومی متنوع در پژوهش‌های انجام شده بوده است. نهایتاً اینکه، بهره‌گیری از فنون فرا تحلیل جهت یکپارچگی یافته‌ها و مطالعه مبانی دانش رشته مدیریت آموزشی مدنظر نسل جدید محققان بوده است.

کلید واژگان: رهبری آموزشی، علوم تربیتی، ماهیت رشته‌ای، مدیران مدارس، مدیریت مدرسه.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران. nshirbagi@uok.ac.ir

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

۳. استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رشته علمی به پیوستگی مفهومی و توافق جمعی بر سر موضوعاتی اشاره دارد که منجر به شکل‌گیری قوانین علمی مشخص می‌شود. هر رشته متشکل از مجموعه‌ای از عناصر عمده از قبیل معیارهای پژوهشی مشترک، گفتمان مشترک، اهداف مشترک، روابط نظام‌مند مشترک، کارآموزی آموزشی مشترک و اتفاق آرا نسبی قضاوت گروه در مسائل حرفه‌ای است (بریجز^۱، ۲۰۰۶). این معیارها جایگاهی علمی و معرفتی را برای رشته قائل هستند که با هویت‌یابی سروکار دارند. ضروری‌ترین مسئله برای هر رشته علمی، شناخت هویت و دستیابی به تعریفی جامع است که موضوعات اصلی را جهت بحث و پژوهش روشن می‌سازد.

بخش قابل‌توجهی از مطالعات در هر رشته به بحران‌های فکری آن اختصاص می‌یابد. این بحران‌ها، چالش‌های مفهوم‌سازی دانش را فراهم می‌کنند. نبود مرزهای مشخص در یک حوزه مطالعاتی، بیانگر ابهام در اهداف و ماهیت آن حوزه است؛ بنابراین، پژوهشگران و محققان هر رشته، در تعریف اهداف و هویت رشته نقشی مهم ایفا می‌کنند. شناخت هویت معرفت‌شناختی در حوزه‌های کاربردی، مانند مدیریت آموزشی، کاری دشوار است. مدیریت آموزشی از ترکیب دو زمینه مطالعاتی آموزش و پرورش و مدیریت تشکیل شده است. اگرچه به نظر ریبینز^۲ (۲۰۰۶) در زمینه بنیان دانش علمی مدیریت آموزشی، توافق عمومی وجود ندارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیریت آموزشی از آغاز پیدایش در اواخر قرن نوزدهم تا کنون با عنوان یک حوزه مطالعاتی دچار تغییرات محتوایی و موضوعی بسیاری شده است که این امر، ارائه تعریفی مشخص و قابل قبول برای محدود کردن مرزهای علمی آن از سوی فعالان حوزه را مشکل ساخته است (اپلاتکا^۳، ۲۰۱۳: ۳). هم‌چنین، عدم مرزهای روشن و مبنای نامشخص دانش در این حوزه، چالش‌های فکری بسیاری برای پژوهشگران و دانشجویان این رشته مطرح نموده است. اینکه آیا مدیریت آموزشی رشته‌ای مستقل است یا یک گرایش فرعی از سایر رشته‌ها؟ اگر رشته‌ای مستقل است، محتوای آن چیست؟ آیا نتایج پژوهش‌های مختلف، ادبیاتی گسترده و مرتبط با دانش رشته را به وجود می‌آورد؟ از مهم‌ترین دلایل وجود این ابهامات به باور برخی از پژوهشگران و نظریه‌پردازان (فاسکت، لامبی و فیدلر^۴، ۲۰۰۵؛ ریبینز^۵، ۲۰۰۶؛ اپلاتکا، ۲۰۰۹) این است که این حوزه به‌عنوان یک حوزه کاربردی دارای ویژگی‌هایی از جمله مرزهای علمی

1. Bridges
3. Oplatka
5. Ribbins

2. Ribbins
4. Foskett, Lumby & Fidler

نامشخص، عدم وجود دانش جمعی، بهره‌برداری محدود از محصولات حوزه و تنوع و از هم‌گسیختگی است؛ و اعضای آن موضوعاتی متنوع را مورد تأکید قرار داده و هنوز آن طور که باید و شاید به مدیریت آموزشی به‌عنوان یک رشته علمی پرداخته نشده است.

هر ساله طیف گسترده‌ای از موضوعات در قالب مقالات علمی در نشریات تخصصی این حوزه در سراسر جهان منتشر می‌شود که وجود یکپارچگی مطالعات پژوهشی و هماهنگی جامع در برنامه‌های تحقیقاتی را به حداقل می‌رساند. این امر نه تنها سبب می‌شود، هر گونه تلاشی برای طبقه‌بندی مقالات براساس موضوعات و مفاهیم تخصصی، بسیار دشوار شود؛ بلکه به ایجاد چندین فضای مورد علاقه علمی از سوی محققان شده که ما را ناگزیر به یک طبقه بندی موضوعی بر مبنای علایق علمی خواهد نمود (اپلاتکا، ۲۰۱۳: ۴).

نبود مرزهای مشخص در یک حوزه مطالعاتی، بیانگر درکی ضعیف از هدف و ماهیت آن است. مجلات علمی عرصه‌ای هستند که در آن‌ها بحث درباره تولید دانش و ارائه ماهیتی مشخص از حوزه‌های مطالعاتی صورت می‌گیرد (گانتر^۱، ۲۰۰۲)، بنابراین پژوهشگران و محققان هر رشته، نقش مهمی در شناخت و یا بازشناسی و پاسخ به بحران هویتی رشته دارند. تولید دانش در عرصه‌های گوناگون از سوی مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. جایی که رشته‌ها و زمینه‌های مطالعاتی تعریف شده توسط مرزهای نهادی و علمی با فعالیت های فکری، تعبیه شده است (گانتر، ۲۰۰۲). هر رشته دارای منافع خاص خود، فعالیت‌های ساختارمند، قوانین مشخص، معانی و جایگاهی ویژه است که لنزهای فکری و گفتمان‌هایی مشترک برای آن رشته ارائه می‌دهد (انگلیش^۲، ۲۰۰۱: ۳۲). روش گفتگو و مباحثات علمی از سوی اساتید در یک دوره، حوزه‌ای از تفکر را خلق می‌کند. بنیان حوزه، یک قلمرو فکری مناسب برای مطالعه و پژوهش است. حوزه‌های فکری به افرادی که در درون حوزه فعالیت دارند، نشان می‌دهد که کدام اصول و گفته‌ها، در این حوزه مورد بحث و پذیرش نیستند (انگلیش، ۱۹۹۵). حوزه فکری مدیریت آموزشی سعی داشته است که مرزهای مشخصی بین گذشته و حال قرار دهد تا دیدگاه‌های پیشین نامعتبر را کنار زده و پژوهش‌های خارج از حوزه را لب مرز نگه دارد. هدف از این امر، مشخص نمودن مرزهای حوزه و کمک به ایجاد دیدگاه های مشترک و رسیدن به توافقات جمعی بر سر ماهیت و اهداف حوزه است. تا زمانیکه این توافقات و این تعیین مرزها اتفاق نیافتد، مدیریت آموزشی و یا هر حوزه‌ای دیگر، نمی‌تواند به عنوان یک رشته علمی شناخته شده و دانشی تخصصی در گستره علم را ایجاد نماید.

مروری بر مفاهیم کلیدی در دوره‌های مختلف در مطالعات ملی و بین‌المللی (اپلاتکا ۲۰۱۰، ترجمه شیربگی، ۱۳۷۹) نشان می‌دهد که حوزه مدیریت آموزشی از نظر مفهومی دارای پراکندگی و گستردگی است؛ که به انفصال فکری حوزه می‌انجامد. انفصال فکری، نقطه مقابل توافق جمعی گروهی از متخصصان بر سر اصول، مفاهیم و حدود مفهومی مرزبندی شده در یک‌رشته است (بریجز، ۲۰۰۶).

مدیریت آموزشی برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۴۶ در دانش‌سرای عالی تهران تأسیس شد و به تدریج در سایر دانشگاه‌های کشور توسعه یافت. بنیان‌گذار این حوزه در ایران مرحوم محمدعلی طوسی بود که نقشی اساسی در تأسیس و توسعه این حوزه بر عهده داشت، به طوری که پدر علم مدیریت آموزشی ایران محسوب می‌شود. با این وصف، مدیریت آموزشی در ایران از نظر علمی-تخصصی نتوانسته است به‌عنوان یک‌رشته مستقل در میان دیگر رشته‌های علوم اجتماعی، خود را مطرح کند؛ و به سبب ارتباطات مفهومی و کاربردی با مسائل تربیتی و آموزشی، هنوز زیرمجموعه رشته علوم تربیتی قرار دارد. شاهد این ادعا، نبود یک دانشکده و یا گروه مستقل در دانشگاه‌های کشور است. اساتیدی نیز که در این حوزه تدریس می‌کنند، اکثراً دارای تخصص‌هایی غیر از مدیریت آموزشی هستند. هم‌چنین، بیشتر دانش‌آموختگان مدیریت آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی در آموزش و پرورش به فعالیت‌هایی خارج از مدیریت مدارس مشغول می‌شوند که لزوماً ارتباط چندانی با مدیریت ندارد. بسیاری از مدیران مدارس نیز، نه تنها دارای تخصص مدیریت آموزشی نیستند، بلکه بسیاری از آنان از کار راهه معلمی به سمت مدیریت مدرسه دست‌یافته‌اند. تاکنون برنامه ویژه‌ای که به آماده‌سازی مدیران مدارس تخصیص یابد و جنبه رسمی داشته باشد، در ایران وجود نداشته است.

با توجه به مطالب مطرح شده، مسئله اصلی در پژوهش حاضر، نبود شاخص‌های مورد پذیرش در ایران در رشته مدیریت آموزشی است. دستیابی به این شاخص‌ها، نیازمند شناخت دقیق وضعیت موجود حوزه مطالعاتی از نظر گستردگی، تنوع، شفافیت و مشخص بودن مرزهای مفهومی و دانشی آن است. این امر، امکان مقایسه با یک وضعیت مطلوب را فراهم نموده و در ترسیم نقشه راه و ایجاد راهکارهایی مناسب جهت اصلاح ساختار علمی و فرایند پژوهشی موردنیاز برای حرکت در مسیر تبدیل شدن به یک‌رشته علمی، نقشی حیاتی ایفا خواهد نمود. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی چستی موضوعات حوزه مدیریت آموزشی، موضوعات مهم موردنظر پژوهشگران و شناسایی پیشرفت‌های مهم معرفت‌شناختی مدیریت آموزشی از طریق مرور مقالات منتشرشده در مجلات تخصصی داخل کشور است.

اپلاتکا (۲۰۱۰، ترجمه شیربگی، ۱۳۹۷) به دنبال شناخت هویت و تعیین جایگاه معرفت‌شناختی، نظری و پژوهشی مدیریت آموزشی در میان دیگر رشته‌های علوم اجتماعی بود.

وی با بررسی تولیدات علمی در قالب مقالات و کتب تخصصی حوزه مدیریت آموزشی به پیگیری مبانی فلسفی و خاستگاه معرفت‌شناسی مدیریت آموزشی در نشریات معتبر و اختصاصی کشورهای انگلیسی زبان پرداخته است.

هالینجر^۱ (۲۰۱۲) جهت بررسی تحقیقات در طی ۲۰ سال اولیه ظهور و رشد رهبری آموزشی، مقالات منتشرشده از سوی مجلات معتبر مدیریت آموزشی هم‌چون (Educational Administration Quarterly) از سال ۱۹۸۰ را مورد تحلیل قرار داد. به گفته وی، در آن زمان، روند روش‌شناختی وسیع و متنوعی در مرور ادبیات رهبری آموزشی وجود داشته است. وی مدعی است که انجام فرا تحلیل‌ها در زمینه رهبری و مدیریت آموزشی در طول دهه‌های گذشته تاکنون ادامه یافته است تا ترکیبی از بررسی‌های متداول و منظم را نشان دهد. هدف پژوهش وی، ارائه چارچوبی مفهومی برای انجام بررسی سامان‌مند از تحقیقات بود که می‌تواند در رهبری آموزشی و مدیریت استفاده شود. چارچوب مفهومی شامل توصیه‌های جهت توسعه ادبیات در رهبری آموزشی است.

رابینز و گانتر^۲ (۲۰۱۲) مطالعه‌ای را با عنوان "ترسیم نقشه مطالعات رهبری در آموزش و پرورش جهت سنخ‌شناسی حوزه دانش" انجام دادند که در آن به دنبال ارائه یک نقشه متقاعدکننده و مفید در زمینه رهبری در آموزش و پرورش بودند. آنان معتقد بودند که طراحی سیستم‌های جدید، توسعه راه‌حل‌های جدید و فرموله کردن ایده‌های جدید با انجام تحقیقات سیستماتیک و انتقادی توسط ارزیابی دقیق تحقیقات تجربی انجام یافته در یک زمینه خاص اتفاق می‌افتد. محققان در تلاش برای ساخت این نقشه مفهومی، از طبقه‌بندی موضوعات استفاده کردند. به این صورت که پنج حوزه دانش شامل دانش مفهومی، انتقادی، انسان‌شناسی، ارزشی و ابزاری را مشخص نموده و طبقه‌بندی موضوعات را بر این اساس انجام دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که نتیجه این مطالعه، به یک نقشه چندبعدی نیاانجامید.

بررسی پیشینه پژوهشی داخل کشور، حاکی از آن است که به‌جز چند مطالعه معدود در حوزه علم‌سنجی و ارزیابی مجلات، پژوهش‌های دیگری یافت نشد. بیشتر مطالعات موجود، به‌منظور بررسی و رتبه‌بندی موضوعات مطرح در آن مقالات انجام گردیده بود که به‌صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

پژوهشی تحت عنوان کندوکاو در یک دهه انتشار مقالات فصلنامه تعلیم و تربیت در قلمرو برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی توسط نوه ابراهیم (۱۳۹۰) انجام شده است که هدف آن ارزیابی مقالات فصلنامه تعلیم و تربیت از نظر شاخص‌های مدل پنج‌گانه هافمن و هرمن در مدیریت و

1. Hallinger

2. Ribbins & Gunter

برنامه‌ریزی آموزشی بوده است که در آن موضوعات مربوط به درون‌داد، فرایند و برون‌داد این حوزه را مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه پژوهش حاکی از آن بود که ۵۶٪ از مقاله‌های موجود از نظر موضوعی به فرایند یعنی رهبری و سازمان‌دهی اختصاص داشت. در زمینه برون‌داد (نظارت و ارزیابی) بیشتر تأکید روی محصول اولیه مدارس و مشکلاتی مانند پیشرفت و پسرفت تحصیلی است که ۱۹٪ مقالات را به خود اختصاص داده است و تنها ۲۵٪ از مقالات به مباحث سیاست‌گذاری و تعیین برنامه‌ریزی که به بخش درون‌داد مربوط است، پرداخته‌اند.

پژوهشی دیگر تحت عنوان تبیین مدیریت آموزشی به‌عنوان یک رشته علمی توسط مختاریان و جاهد (۱۳۹۲) انجام شد که در آن ابعاد مختلف مدیریت آموزشی از نظر شاخص‌های یک رشته علمی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی از لحاظ جایگاه نظری و تجربی خود، یک علم محسوب می‌شود. آن‌ها معتقدند مدیریت آموزشی از یک جایگاه فرا کنشی برخوردار است؛ بدین معنا که به‌جای برخورد انفعالی با تغییرات و پیشرفت‌ها و سعی در منطبق‌سازی سایر مباحث علمی با مدیریت آموزشی، به دنبال ارائه نظریه‌هایی است که دیگر حوزه‌های علمی بتوانند از آن استفاده نموده و این علم در جایگاه راهنمای عمل قرار گیرد.

در مطالعه‌ای با عنوان تأملی بر میراث علمی رشته مدیریت آموزشی، رسته مقدم، عباسپور و جلالی (۱۳۹۵) به بررسی وضعیت تولید دانش در حوزه مدیریت آموزشی به روش تحلیل استنادی به‌عنوان یکی از فنون علم‌سنجی، پرداخته‌اند. جامعه آماری در این مطالعه مقالات مربوط به وبگاه علوم در طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۵ بوده که در آن به دسته‌بندی موضوعات و نویسندگان مهم حوزه پرداخته است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، انجام مطالعات با هدف بررسی ماهیت مدیریت آموزشی از نظر بررسی استقلال رشته و شناخت هویت آن، بسیار محدود بوده و مطالعه‌ای با این هدف در میان مطالعات داخلی یافت نشد. بنابراین با توجه به این نقصان، هدف پژوهش حاضر بررسی و ارزیابی پیشرفت‌های معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و نوع ادعاهای علمی مطرح‌شده در مدیریت آموزشی و تولید دانش طی سال‌های متمادی در ایران است که در این راستا سه سؤال قابل طرح است:

۱. حیطه‌های مطالعاتی و ابعاد مورد تأکید آن‌ها در مجلات منتخب حوزه مدیریت آموزشی

کدامند؟

۲. رویکردها و روش‌های مورد استفاده در مقالات چه جهت‌گیری‌های معرفت‌شناسانه‌ای را

بازنمایی می‌کنند؟

۳. هویت و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نویسندگان مقالات مدیریت آموزشی چیست؟

در این پژوهش از چارچوب نظری (اپلاتکا ۲۰۱۰، ترجمه شیربگی، ۱۳۷۹) استفاده می‌شود که پیشرفت‌های معرفت‌شناختی مهم در مدیریت آموزشی را براساس تحلیل مجلات علمی

مختلف حوزه مرور و ارزشیابی ارائه کرده است. وی معتقد است نوع و محل آثار منتشر شده توسط نویسندگان نشانگر هویت و ماهیت آن حوزه هستند. برای بررسی و مطالعه تاریخی پیشینه حوزه مدیریت آموزشی او سه مجله که شامل فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، مجله مدیریت آموزشی و مجله مدیریت، سرپرستی و رهبری آموزشی را در مرحله اول انتخاب کرد و سپس چهار مجله رهبری و مدیریت مدرسه^۱، رهبری و سیاست در مدرسه^۲، مجله بین‌المللی رهبری در آموزش و پرورش^۳ و مجله بین‌المللی مدیریت آموزشی^۴ از سال ۱۹۸۰ به بعد منتشر شدند را به آن‌ها افزود. اپلاتکا در کار خود سعی کرده است تا مرزهای معرفت‌شناختی بالقوه مدیریت آموزشی را پیشنهاد دهد و مباحثی را درباره اینکه آیا می‌توان مدیریت آموزشی را به‌عنوان حوزه‌ای مستقل در نظر گرفت یا خیر، مطرح می‌کند.

تفاوتی که پژوهش حاضر با پژوهش اپلاتکا دارد، این است که در گذشته در ایران، مجلات تخصصی در زمینه مدیریت آموزشی وجود نداشته است و در حال حاضر نیز انگشت‌شمارند. لذا، جهت دستیابی به مقالات حوزه، باید در گروه علوم تربیتی مجلاتی را جستجو کنیم که مقالات بیشتری را به موضوعات مدیریت آموزشی اختصاص داده باشد. این کار از دو جهت تفاوت عمده‌ای در نوع مطالعه اپلاتکا با آنچه در این پژوهش اتفاق افتاده است، ایجاد می‌نماید. نخست آنکه، مبنای انتخاب، مجلات تخصصی بوده‌اند؛ دوم اینکه، دسته‌بندی موضوعات در میان مقالات اختصاصی منتخب، صورت گرفته است. در این مطالعه به‌گزینش مقالات اختصاصی در مجلات غیرتخصصی یا نیمه مرتبط نیز مبادرت شده است. لذا، مقالات منتخب، از نظر اینکه هر کدام چه جنبه‌ای از حوزه مدیریت آموزشی را مورد تأکید قرار داده‌اند و یا این موضوعات تا چه اندازه در راستای موضوعات و مبنای معرفت‌شناختی بین‌المللی حوزه بوده است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش اول، مؤلفان به دنبال تعیین موقعیت و وضعیت دانش مدیریت آموزشی درون مرزهای فکری و معرفتی محققان و متخصصان ملی بودند. در بخش دوم، پژوهشگران به دنبال شناخت هویت نویسندگان، تعداد و جنسیت آن‌ها بودند؛ یعنی اینکه موضوعات و چالش‌های این حوزه توسط چه کسانی مطرح و بررسی می‌شود، پیوند اعضا و دغدغه‌های مشترک به چه صورت است، یا ماهیت حوزه تا چه میزان مباحث جنسیت را مورد توجه قرار می‌دهد. در نهایت در بخش سوم، شناخت پارادایم‌های غالب و رویکردهای برخاسته از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. School Leadership and Management
2. Leadership and policy in School
3. International Journal of Leadership in Education
4. International Journal of Educational Management

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد و راهبرد: پژوهش حاضر، کیفی و از نوع تفسیری-برساختی است. راهبرد مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی^۱ است که تحلیل محتوای قوم‌نگارانه نیز نامیده می‌شود. دلیل به‌کارگیری چنین راهبردی آن است که یک مقاله منتشر شده در مجله به‌عنوان سندی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را مورد تحلیل متنی قرار داد. به نظر آلتید^۲ (۱۹۹۶) یک سند می‌تواند به‌عنوان هرگونه بازنمایی نمادین که بتوان به‌منظور انجام تجزیه و تحلیل، آن را ضبط یا بازبازی نمود تعریف شود (ص ۲). روش تحلیل محتوای کیفی شامل ترکیبی از داده‌های کمی و کیفی است. به‌عبارت‌دیگر، در این روش تأکید بر جمع‌آوری هم‌زمان داده‌های مفهومی-تفسیری و طبقه‌ای-آماري برای هر متن تحلیل‌شده است (اپلاتکا، ۲۰۱۱؛ ترجمه شیربگی، ۱۳۹۷).

جامعه آماری: تمام مجلات تخصصی در حوزه علوم تربیتی جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل دادند. از آنجا که مدیریت آموزشی در ایران به‌صورت یک‌رشته مستقل نبوده و به‌عنوان گرایشی از رشته علوم تربیتی شناخته می‌شود، دور از انتظار نیست که مجلات اختصاصی در زمینه مدیریت آموزشی که صرفاً به موضوعات مرتبط و یا نزدیک به این حوزه پرداخته باشند، وجود نداشته و یا محدود باشند. به این دلیل، جهت شناسایی مجلاتی که بیشترین مقالات را در این حوزه به نسبت کل مقالات در دیگر حوزه‌ها چاپ کرده‌اند، تمامی مجلاتی که در لیست ارائه شده و مصوب سال ۱۳۹۷ از سوی کمیسیون نظارت بر نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گروه علوم تربیتی نمایه شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد ۵۶ مجله در گروه علوم تربیتی منتشر می‌شوند که تعدادی محدود از آن‌ها از جمله مجله مدیریت مدرسه، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، مدیریت بر آموزش سازمان‌ها و مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی عنوان اصلی این حوزه را دارند. برخی مقالات تخصصی در این مجلات، مدت‌ها پیش منتشر شده‌اند که در آرشیو آنلاین مجلات قرار ندارند؛ برخی نیز بر محور مدیریت آموزش عالی یا مدیریت دیگر سازمان‌های غیرآموزشی تأکید داشته‌اند؛ که به دلیل عدم ارتباط با مدیریت مدرسه، از جامعه پژوهشی این تحقیق خارج شده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها: جستجوی اینترنتی و مراجعه به آرشیو مجلات حوزه ابزار اصلی گردآوری داده‌ها بودند. علوم تربیتی در مقالات منتخب از مجلات تخصصی که موضوعاتی در مورد مدیریت آموزشی را مطرح کرده بودند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. هر یک از این مقالات، به‌مثابه یک سند در نظر گرفته شدند.

1. Qualitative Data Analysis

2. Altheide

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری به شکل هدفمند و ملاک محور انجام شد. منطق این نمونه‌گیری، انتخاب همه مواردی است که برخی معیارهای مسلط مهم را فراهم می‌سازند (پاتن، ۲۰۰۲: ۲۳۸). ملاک انتخاب مجلات، در پژوهش حاضر، ۱- انتخاب از میان مجلات علمی-پژوهشی مورد تأیید از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲- داشتن بالاترین درصد مقالات تخصصی مدیریت و رهبری آموزشی (مجلات نخست در رتبه‌بندی) در طی سال‌های فعالیت نشریه نسبت به دیگر مجلات؛ و ۳- همخوان بودن عنوان مجله با مفاهیم اصلی مدیریت آموزشی؛ و نیز معیار انتخاب مقالات این بود که ۱- وجود یکی از متغیرهای مورد پژوهش در ارتباط با مدیریت یا رهبری آموزشی در سطح مدارس و ۲- مطالعه علم مدیریت آموزشی و عوامل مرتبط با آن که در عنوان یا اهداف مقاله به‌طور مستقیم از این مفهوم استفاده شده باشد. با در نظر گرفتن همه معیارها، در نهایت چهار مجله مدیریت مدرسه، مدیریت بر آموزش سازمان ها، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی و مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی به ترتیب دارای بالاترین درصد مقالات تخصصی بودند که انتخاب شدند (جداول ۱ تا ۴). در مجموع، تعداد ۹۴ مقاله به‌عنوان مقالات کاملاً اختصاصی در زمینه موضوعات اصلی مدیریت آموزشی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل: روش استفاده‌شده در این پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی^۱ است که تحلیل محتوای قوم‌نگارانه نیز نامیده می‌شود. دلیل به‌کارگیری چنین روشی آن است که یک مقاله منتشرشده در مجله به‌عنوان سندی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را مورد تحلیل متنی قرار داد. یک سند می‌تواند به‌عنوان "هرگونه بازنمایی نمادین که بتوان به‌منظور انجام تجزیه و تحلیل، آن را ضبط یا بازیابی نمود" تعریف شود (آلتید^۲، ۱۹۹۶، ص ۲). روش تحلیل محتوای کیفی شامل ترکیبی از تحلیل محتوای کمی و کیفی است. در این روش داده‌های روایی و عددی گردآوری می‌شوند تا از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم الگوها به تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی دست یافت (هی و شاونون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۸). به‌طور کلی، تحلیل‌ها بر دو محور اصلی صورت گرفته‌اند: خود مقالات (مانند نوع مقاله، روش بکار رفته و موضوعات مطرح شده) و موقعیت محققان (مانند سمت محقق و وابستگی سازمانی). لذا، هر مقاله براساس پنج متغیر دسته‌بندی شده است. این متغیرها عبارت‌اند از: موضوع، هدف، رویکرد مقاله (کمی، کیفی یا ترکیبی)، روش‌ها و متغیرهای جمعیت‌شناختی نویسندگان. به‌منظور بررسی مفاهیم مورد تأکید و تشخیص مرزهای پژوهشی و یافتن تناقضات میان آن‌ها، چکیده، روش‌شناسی و نتایج مقالات مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

الف- تحلیل‌های کمی

۱- مجله مدیریت مدرسه، این نشریه از سال ۱۳۹۵ درجه علمی-پژوهشی دریافت نموده است و به‌عنوان اولین مجله‌ای که با انتخاب یک عنوان تخصصی توانسته است گامی در تحدید مرزهای حوزه مدیریت آموزشی بگذارد، شناخته می‌شود. در این مجله تعداد ۲۲ مقاله از ۴۹ مقاله، (۴۵ درصد) از کل مقالات، مربوط به مدیر مدرسه و متغیرهای مربوط به آن و علم مدیریت آموزشی در سطح مدارس است. تعداد نویسندگان ۶۳ نفر بوده که ۱۵ نفر (۳۱ درصد) از آنان را نویسندگان زن تشکیل می‌دهند. تعداد ۲۰ مقاله مستخرج از پایان‌نامه دانشجویی بوده و تنها دو مقاله توسط اساتید حوزه به‌صورت پژوهش مستقل و بدون استخراج از پایان‌نامه دانشجویی به چاپ رسیده‌اند. در این مجله، محققان غیردانشگاهی یعنی مدیران مدارس و یا مسئولین نظام آموزشی حضور ندارند. شایان توجه است که تعداد هشت مقاله (۳۶ درصد) با رویکرد کیفی، چهارمقاله با رویکرد آمیخته (۱۸ درصد) و تعداد ۱۰ مقاله (۴۵ درصد) با رویکرد کمی انجام‌شده است (جدول ۱).

جدول ۱. مقالات منتشرشده مدیریت آموزشی در مجله مدیریت مدرسه

دوره زمانی	جنسیت	مرتبه علمی نویسندگان								رویکرد پژوهش
		استادیار	دانشیار	دانشیار	دانشیار	دانشیار	دانشیار	دانشیار	دانشیار	
۱۳۹۵-۹۶	۱۵	۵	۱۴	۱۷	۱۴	۱۳	۴	۱۰	۸	۲۲ مقاله
۲ سال	۶۳									

ذکر این نکته لازم است که باوجود عنوان تخصصی مجله و تلاش مسئولین آن در پذیرش مقالات تخصصی، بازهم کمتر از ۵۰ درصد از مقالات، ملاک‌های مفروض این پژوهش را دارا بودند. از دید دست‌اندرکاران مجله (سرمدبیر و مدیر مسئول مجله)، سایر مقالات چاپ شده در مجله، خارج از حوزه مدیریت آموزشی نیست و موضوعات مربوط به معلمان، مدارس و فرایند یاددهی-یادگیری موضوعاتی هستند که درون مرزهای این حوزه قابل بررسی و مربوط به وظایف مدیران مدرسه است؛ اما با توجه به ملاک‌های منتخب در این مطالعه که حضور یکی از متغیرهای مربوط به مدیر مدرسه را در مقالات لازم می‌نمود، بیش از ۵۰ درصد از مقالات خارج از این ملاک‌های مورد نظر قرار گرفتند.

جدول ۳. مقالات منتشرشده مدیریت آموزشی در مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی

جنسیت	مرتبۀ علمی نویسندگان										رویکرد پژوهش	دوره زمانی
مرد	استاد	دانشیار	استادیار	دکتر	دکتری	دانشجوی	ارشد	دانشجوی	پایه	دیگر	دیگر	دیگر
۳۲	۹۸	۱۰	۱۹	۴۹	۶	۱۷	۲۹	۲	۵	۴۰	۸۷	۹۶
۱۳۰	۱۳۰ مقاله										۱۰ سال	

باوجود توصیفات فوق، اهداف موردنظر با عنوان مجله مغایرت پیدا می‌کند؛ و همان‌طور که می‌بینیم فقط تعداد ۴۷ مقاله از میان کل مقالات به تعداد ۳۲۰ مقاله (۱۵ درصد)، ملاک‌های مورد نظر در این پژوهش را دارا بودند. از تعداد ۱۳۰ نفر نویسنده تعداد ۳۲ نفر یعنی ۲۵ درصد از آنان زن هستند. تعداد ۴۴ مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تنها سه مقاله به‌صورت پژوهش مستقل خارج از پایان‌نامه، توسط اساتید نوشته‌شده است. همه نویسندگان از اعضای دانشگاه یعنی استاد و دانشجو هستند. رویکرد مورد استفاده در بخش روش تحقیق، به این صورت بوده است که بیش از ۸۵ درصد رویکرد کمی و ۱۵ درصد روش‌هایی با رویکرد کیفی مورد استفاده محققان قرار گرفته است.

۴- مجله مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی که از مجلات علمی-پژوهشی با صاحب امتیازی دانشگاه شهید بهشتی است، اولین مقاله خود را زمینه مدیریت آموزشی در سطح مدارس، از سال ۱۳۸۷ به چاپ رسانده است. این مجله از سال ۱۳۹۰ درجه علمی-پژوهشی دریافت نموده که تعداد ۳۵ مورد از مقالات، مربوط به زمانی است که مجله فاقد درجه علمی-پژوهشی یعنی قبل سال ۱۳۹۰ بوده است.

جدول ۴. مقالات منتشره شده مدیریت آموزشی در مجله مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی

جنسیت	مرتبۀ علمی نویسندگان										رویکرد پژوهش	دوره زمانی
مرد	استاد	دانشیار	استادیار	دکتر	دکتری	دانشجوی	ارشد	دانشجوی	پایه	دیگر	دیگر	دیگر
۸	۲۰	۲	۴	۱۲	۳	۶	۱۳	-	۱۳	۸۶	۹۵	
۲۸	۲۸ مقاله										۱۰ سال	

در این میان، چهار مقاله از مقالات منتخب، در شماره‌های علمی-ترویجی چاپ شده است؛ اما با توجه به ارزش موضوعی و سطح علمی قابل قبول مقالات، تصمیم به حفظ این مقالات گرفته

شد. به طور کلی، از مجموع ۱۳۰ مقاله، تنها ۱۳ مقاله (۱۰ درصد) که آن هم با رویکرد کمی، دارای معیارهای مورد نظر بودند. در این پژوهش از تعداد ۲۸ نفر نویسنده، فقط هشت نفر (۲۸ درصد) از آنان زن و بقیه مرد هستند. تعداد ۹ مقاله مربوط به پایان نامه دانشجویان ارشد و دکتری بوده و سه مقاله دیگر توسط اساتید حوزه نوشته شده‌اند. دو تا از این مقالات تک‌نفره و یکی با همکاری اساتید دو دانشگاه به چاپ رسیده است.

ب- تحلیل‌های کیفی

روش تحلیل محتوای کیفی به پارادایم‌های تفسیری-برساختی متکی است و به مفاهیم و مقوله‌ها در بستر معنایی خاص خودشان توجهی عمیق دارد، لذا در جریان متن‌کاوی و تعیین نظام مفاهیم و مقوله‌ها به صورت تکوینی-استقرایی (پاتن، ۲۰۰۲: ۴۳۵) انجام شد. در دسته‌بندی مقالات، گاهی اوقات ممکن است مرزهای روشنی به سبب هم‌پوشانی موضوعات در متغیرها و مفاهیم بکار رفته، وجود نداشته باشد. چرا که شاخص‌ها جهت دسته‌بندی این‌گونه موضوعات و به طور کلی متن‌کاوی‌ها وجود ندارد (محمد پور، ۱۳۹۷). لذا، محققان با استفاده از دانش و جهت‌گیری‌های فکری خود، اقدام به این دسته‌بندی‌ها و انتخاب تم‌های مورد نظر جهت یافتن حیطه‌های پژوهشی فعالان حوزه پرداختند؛ بنابراین، برای تحلیل و دسته‌بندی مقالات پنج مرحله انجام گرفت ۱- کشف مقولات اصلی و فرعی ۲- توصیف عناصر هسته‌ای و پیرامونی مقولات ۳- ایجاد سلسله‌مراتب مقولات ۴- کاربرد مقولات؛ یعنی الصاق آن‌ها به حوزه‌های مورد مطالعه و ۵- اتصال مقولات به منظور خلق حیطه‌های نظری.

با بررسی‌های صورت گرفته، تعداد ۹۴ مقاله مرتبط که دست‌کم یکی از متغیرهای آن مربوط به مدیر مدرسه یا مدیریت آموزشی در مدارس بود که پس از حصول اطمینان از عدم تکراری بودن و اصالت آن‌ها، به‌عنوان اسناد مورد اتکا جهت انجام پژوهش، انتخاب شدند. با توجه به تحدید تعریف مدیریت آموزشی به‌عنوان علم مدیریت مدرسه، مباحث مربوط به مدیریت آموزش عالی در نظر گرفته نشد. هم‌چنین مقالاتی که مربوط به معلمان و دانش‌آموزان بدون ارتباط با مدیر مدیریت مدرسه بود، نیز در حیطه مقالات مورد بررسی گنجانده نشد.

تعداد مقالات	ابعاد مورد مطالعه	عناوین	حیطه‌های اصلی
۱۵	توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی مدیران مدارس (توسعه منابع انسانی)	<p>رابطه‌ی تعهد شغلی با خلاقیت مدیران بررسی تأثیر عوامل فردی بر خلاقیت مدیران رابطه فرهنگ‌سازمانی با خلاقیت و تغییر سازمانی در بین مدیران تبیین نقش دانش و نگرش مدیریت تغییر مدیران در خلاقیت آنان رابطه مهارت‌های ارتباطی با راهبردهای مدیریت حل تعارض مدیران کاوش بالندگی مدیران مدارس ارائه الگوی توسعه حرفه‌ای مدیران مدارس دوره متوسطه بررسی رابطه بین مهارت‌ها و توانایی‌ها با نقش‌های مدیریتی تحلیل مسیر لنگرهای مسیر شغلی با عملکرد مدیران شایستگی‌های مدیران آموزشی و توسعه منابع انسانی رابطه بین هوش سازمانی و عملکرد مدیران رابطه بین فرهنگ‌سازمانی با ادراک توانمندی مدیران بررسی سبک‌های مقابله با استرس شغلی مدیران نقش مدیریت استعداد در سلامت سازمانی مدارس رابطه هوش هیجانی مدیران با میزان کاربست مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده در مدارس بررسی رابطه بین پرورش حرفه گرایی معلمان با جهت‌گیری حرفه‌ای مدیران ذهنیت فلسفی مدیران مدارس در ارتباط با روحیه دبیران بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد دبیران وظایف مدیران مدارس در جهت تقویت و توسعه کامیابی شغلی معلمان رابطه جزم‌اندیشی مدیران مدارس با میزان قانون‌مداری و درک معلمان رابطه میان انگیزه شغلی مدیران، رضایت شغلی و تعهد سازمانی دبیران چگونه پشتیبانی مدیران را برای آموزش و بهسازی کارکنان جلب کنیم تجارب دبیران از تعاملات نامناسب مدیران راهبرد ادراک رفتار غیراخلاقی و رفتار توانمندساز مدیران با اعتمادشناختی و عاطفی معلمان به آنان مدل یابی معادلات ساختاری رابطه ابعاد عدالت سازمانی، اعتماد، تعهد مستمر عاطفی با ادراک معلمان از خودکارآمدی مدیران بررسی تفاوت ادراک مدیران و دبیران مقطع متوسطه از عوامل انگیزش شغلی رابطه سبک مدیریت مشارکتی با تعهد سازمانی و سلامت روانی دبیران بررسی رابطه هوش اخلاقی مدیران و ناسازگاری جسمانی معلمان</p>	ویژگی‌ها و مهارت‌های مدیران مدارس
۱۴	اثرگذاری مدیر بر مشغول‌های مربوط به معلمان		

۷	ویژگی‌های شخصیتی و نظام ارزشی مدیران مدارس	بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با تعهد سازمانی در مدیران بررسی و مقایسه سازه‌های شخصی مدیریت در میان مدیران باتجربه و تازه‌کار بررسی مقایسه‌ای نظام ارزشی فرهنگیان (مدیران و معلمان) بررسی روابط و سهم تبیینی فلسفه‌های آموزشی با ابعاد باورهای نظارتی مدیران مدارس رابطه سبک‌های تفکر با منابع قدرت مدیران رابطه چابکی سازمانی، عزت‌نفس سازمانی و روحیه با رضایت شغلی مدیران مدارس رابطه سبک‌های تفکر قضاوت‌گری و اجرایی مدیران با مؤلفه‌های سلامت سازمانی تأثیر سبک رهبری مدیران بر عملکرد معلمان رابطه سبک‌های مدیران با رضایت شغلی و سلامت روانی معلمان تأثیر سبک رهبری اخلاقی مدیران بر سرمایه اجتماعی معلمان تأثیر رهبری اخلاقی مدیران مدارس بر فضیلت سازمانی معلمان تأثیر رهبری توزیع‌شده بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی معلمان مدارس تأثیر رهبری توزیعی مدیران بر تعهد سازمانی معلمان با میانجیگری عزت‌نفس سازمانی رابطه بین رهبری امنیت‌مدار و شادکامی کارکنان مدارس: نقش میانجی امنیت روانی تأثیر سبک رهبری توزیع‌شده بر تعهد سازمانی، رضایت شغلی و شهروندی سازمانی نقش رهبری تحول‌آفرین در سلامت سازمانی مدارس رابطه بین رهبری فکورانه با اثربخشی مدارس رابطه بین رهبری تحول‌گرای مدیران و جوسازمانی رابطه سبک رهبری تحولی- تعاملی با میزان کاربست مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده رابطه بین سبک‌های رهبری با سازمان یادگیرنده رابطه بین هوش معنوی و سبک رهبری مدیران بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های مدیریت تعارض مدیران بررسی رابطه بین هوش اخلاقی با سبک‌های رهبری مدیران رابطه فلسفه تربیتی و سبک رهبری مدیران مدارس
۸	پیشمدهای رهبری بر بهره‌وری معلمان	
۵	نقش رهبری در ساختار سازمانی	
۴	ویژگی و مهارت‌های فردی مؤثر مدیران بر سبک رهبری آنان	

۶

جمع ۲۰

ارتباط سبک‌رهبیری بر عملکرد مدیریتی

بررسی سبک‌های رهبیری مدیران مدارس
تأثیر عوامل ساختاری رهبیری معنوی مدیران مدارس بر معنویت در کار
بررسی میزان خودبهبودی رهبیری مدیران و ارتباط آن با عوامل انگیزشی و
مهارت‌های خودتنظیمی

واکاوی، رتبه‌بندی و ارائه الگوی مؤلفه‌های شناسایی مدیران مستعد مدارس
(ترکیبی)

شناسایی مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران با استعداد (آمیخته)

نشان‌گرهای یک رهبر آموزشی موفق (کیفی)

شناسایی مؤلفه‌های شایستگی مدیران مدارس با تأکید بر مدیریت اسلامی
(ترکیبی)

شناسایی ابعاد و نشانگرهای رفتاری مدیران (کیفی)

تدوین صلاحیت‌های علمی-حرفه‌ای مدیران (کیفی)

واکاوی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس (ترکیبی)

صلح آموزی با اتکا به مبانی عرفان اسلامی: دلالت‌ها برای مدیران آموزشی
(کیفی)

مقایسه اثربخشی الگوهای طراحی آموزشی سیستمی و سازنده‌گرا در آموزش
مدیران

ویژگی‌های عمومی و حرفه‌ای مدیران مدارس متوسطه ایران (توصیفی-تحلیل)
الگوی اسلامی-ایرانی مدیران مدارس اسوه در نظام آموزش و پرورش (کیفی)

بررسی رابطه کارآفرینی با اثربخشی مدیران

بررسی رابطه بین مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی مدیران با میزان اثربخشی

رابطه هوش و اعتماد سازمانی با اثربخشی و سلامت روان در مدیران مدارس

رابطه خودکارآمدی با اثربخشی رهبیری

مقایسه اثربخشی مدیریت مدارس هیئت‌امانی با مدیریت مدارس عادی

رابطه میزان آمادگی اجرای مدیریت کیفیت با فرهنگ‌سازمانی و اثربخشی
مدیران

فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره عوامل مؤثر بر عملکرد مدیران

رابطه استفاده مدیران از انواع قدرت با اثربخشی و تعهد سازمانی دبیران

تحلیل عوامل مدیریتی تأثیرگذار بر کیفیت آموزش‌های متوسطه کشاورزی

نقش مدیران در ایجاد خودکارآمدی معلمان: معرفی متغیر رفتارهای کارآمدی
مدیر

۱۱

آماده‌سازی مدیران

۷

عوامل اثرگذار بر اثربخشی مدیران

۲

مدیر به‌عنوان
عامل اثربخشی

ابعاد مدیران توانمند

اثربخشی

۱۰

۴

۲

جمع ۷

ارزیابی عملکرد مدیران مدارس

اعتبارسنجی و همجاریابی نظام ارزشیابی

ابعاد سازمانی، فردی و فرایند یادگیری

بین‌المللی

بررسی نگرش دبیران و کارشناسان نسبت به عملکرد مدیران ارزیابی وضعیت نفوذ آرمانی مدیران در مجتمع‌های آموزشی ارزیابی مدیران مدارس از بسترهای نهادینه‌سازی نوآوری سازمانی بررسی شایستگی‌های پایه در بین دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی و ارزیابی اثربخشی آن

طراحی و ارزیابی مدل علی خلاقیت و نوآوری مدیران هنجاریابی مقیاس ارزیابی خلاقیت مدیریتی مدیران آسیب‌شناسی نظام ارزشیابی عملکرد مدیران مدارس

ارزشیابی

رابطه بین فرهنگ‌سازمانی با اثربخشی مدرسه از دیدگاه مدیران مدارس چالش‌های آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران از دیدگاه مدیران آموزشی ارزیابی عملکرد معلمان راهنما از دیدگاه مدیران و معلمان مدارس ابتدایی جایگاه ارزش‌های فردی و سازمانی از دیدگاه دبیران و مدیران مقدار تحقق ابعاد سازمان یادگیرنده از دیدگاه مدیران بررسی ویژگی‌های سیستم مدیریت در مدارس متوسطه ایران از دیدگاه مدیران و دبیران

بازشناسی چالشی‌های تجاری‌سازی پژوهش‌های مدیریت آموزشی تأملی بر میراث علمی جهانی رشته مدیریت آموزشی رابطه بین سلامت سازمانی با استقرار مدیریت مدرسه محوری تحلیل ساختاری مؤلفه‌های مدیریت مدرسه محور مبتنی بر نظریه‌پردازی تطبیقی

نگرش‌سنجی

بازنمایی هویت رشته مدیریت آموزشی

در پاسخ به سؤال اول پژوهش مبنی بر چپستی حیطه‌های مطالعاتی و ابعاد مورد تأکید آن‌ها در مجلات منتخب، همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، موضوعات پژوهشی در دو حیطه اصلی و فرعی دسته‌بندی شده‌اند. حیطه‌های اصلی، آن‌هایی هستند که تعداد بیشتری از مقالات را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل، حیطه‌های فرعی تعداد مقالات کمتری به آن‌ها

پرداخته‌شده است. در مجموع، تعداد هفت حیطه و ۱۴ بعد در ۹۴ مقاله منتخب استخراج شد. در بخش حیطه‌های اصلی چهار حیطه با ۱۰ بعد، شناسایی شدند.

۱. حیطه‌های اصلی

حیطه اول دارای بیشترین تعداد مقالات یعنی ۳۶ مورد (۳۸ درصد) است که در قالب کلی ویژگی‌ها و مهارت‌های مدیران مدارس مفهوم‌سازی شده است. سه بعد ۱- توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی مدیران مدارس ۲- اثرگذاری مدیر بر متغیرهای مربوط به معلمان و ۳- ویژگی‌های شخصیتی و نظام ارزشی مدیران مدارس از ابعاد مورد تأکید این حیطه به حساب می‌آیند.

حیطه دوم، با عنوان سبک‌های رهبری مفهوم‌سازی شده است که تعداد ۲۰ مقاله (۲۱ درصد) را به خود اختصاص داد؛ این حیطه، چهار بعد ۱- پیامدهای رهبری بر بهره‌وری معلمان، ۲- نقش رهبری در ساختار سازمانی ۳- ویژگی و مهارت‌های فردی مؤثر مدیران بر سبک رهبری آنان و ۴- اثرات سبک رهبری بر عملکرد مدیریتی را در برمی‌گیرد. شناسایی ابعاد مدیران توانمند جهت طراحی و بهبود برنامه‌های آماده‌سازی مدیران که ۱۱ مقاله (۱۲ درصد) را از کل مقالات منتخب به خود اختصاص می‌دهد. اثربخشی با دو بعد آخرین حیطه اصلی است که تعداد ۱۰ مقاله (۱۱ درصد) از کل مقالات منتخب را در برمی‌گیرد. ۱- عوامل اثرگذار بر اثربخشی مدیر با ۷ مقاله و ۲- مدیر به‌عنوان عاملی برای اثربخشی با ۳ مقاله، دو بعد این حیطه هستند. تا این بخش، حیطه‌هایی که بیش از ۱۰ درصد مقالات را در برداشتند، به‌عنوان حیطه‌های اصلی معرفی شدند. اکنون حیطه‌های فرعی که تعداد کمتری از مقالات به آن‌ها پرداخته‌اند، عنوان می‌شوند. حیطه فرعی اول، ارزشیابی است که در دو بعد ۱- بررسی عملکرد مدیران مدارس با ۴ مقاله و ۲- اعتبارسنجی و هنجاریابی با ۳ مقاله، دسته‌بندی شد؛ که ۷ درصد کل مقالات را شامل می‌شوند. نگرش سنجی در رابطه با ابعاد سازمانی، فردی و فرایند یادگیری حیطه فرعی دوم است که فقط ۶ مقاله (۶ درصد) از کل مقالات تخصصی را شامل شده است؛ و درنهایت، علم‌سنجی مدیریت آموزشی جهت بین‌المللی نمودن موضوعات این حوزه جزء آخرین حیطه فرعی است که کمترین تعداد مقالات، یعنی ۴ مقاله (۴ درصد) به این حیطه پرداخته‌اند. در ادامه به بررسی مقولاتی که در حیطه‌های مطرح شده مورد توجه بوده‌اند، خواهیم پرداخت.

در حیطه ویژگی‌ها و مهارت‌های مدیریتی، توسعه حرفه‌ای و تخصصی مدیران مدارس به هدف توسعه نیروی انسانی با ۱۵ مقاله، به‌عنوان اولین بعد، مورد توجه پژوهشگران بوده است. مقالات مربوط به این بعد، در پی بررسی مفاهیمی بودند که برای مدیران به‌عنوان یک مهارت ضروری در توسعه حرفه‌ای آنان از یک طرف و به‌عنوان دانش مورد نیاز جهت افزایش تخصص مدیریتی آن‌ها مهم جلوه نموده‌اند. خلاقیت، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت تغییر، الگوهای توسعه

حرفه‌ای، بالندگی و فرهنگ سازمان، مفاهیمی بودند که در این زمینه به دنبال بهبود دانش حرفه‌ای و تخصصی مدیران، مورد توجه پژوهشگران بوده است. به‌عنوان مثال، میر کمالی و همکارانش (۱۳۹۵) در نتایج پژوهش خود با عنوان تبیین نقش دانش و نگرش مدیریت تغییر مدیران مدارس خرم‌آباد در خلاقیت آنان نشان دادند که دانش و نگرش مدیریت تغییر به‌عنوان یکی از دانش‌های ضروری در حرفه مدیران مدارس، به میزان ۳۸ درصد و ۲۵ درصد به ترتیب خلاقیت مدیران مدارس را پیش‌بینی می‌کنند. در این مقاله به مقوله خلاقیت به‌عنوان یک مهارت حرفه‌ای برای مدیران مدارس توجه شده است که پژوهشگران با بررسی دو متغیر دانش و نگرش مدیریت تغییر، به ترغیب مدیران به سمت تغییرپذیری جهت افزایش خلاقیت در خود، پرداخته‌اند. نمونه دیگر، مقاله درفش و همکاران (۱۳۹۶) است با عنوان نقش مدیریت استعداد در سلامت سازمانی مدارس متوسطه در این مقاله، مدیریت استعداد به‌عنوان یک مهارت حرفه‌ای و تخصصی برای مدیران مدارس، مورد تأکید بوده که نقش پیش‌بینی‌کنندگی برای سلامت سازمانی را دارا است. دو مقاله ذکر شده با رویکرد کمی و متکی به فرا روایت‌ها و مبانی نظری موجود بودند. نمونه‌ای از مقاله کیفی، مقاله‌ای است با عنوان کاوش بالندگی مدیران مدارس از نصیری و همکاران (۱۳۹۵) که با روش داده بنیاد به تدوین الگویی مفهومی با پنج بعد شرایط علی (تغییر در دانش و داده‌های بنیاد)، پدیده محوری (بالندگی مشارکتی)، راهبردها (جو باز و حمایتی)، شرایط مداخله‌گر (قوانین و مقررات) و پیامدها (بالندگی فردی و حرفه‌ای) دست یافته است. در این الگو، توسعه منابع انسانی در گرو بسترسازی و رفع موانع افزایش تخصص و مهارت حرفه‌ای مدیران معرفی شده است.

اثرات مدیر بر متغیرهای مربوط به معلمان با ۱۴ مقاله، دومین بعد مستخرج از مفاهیم این حیطه است. میزان تأکید بر این بعد از نظر تعداد مقالات، کمتر از مباحث مربوط به توسعه حرفه‌ای و تخصصی مدیران، اما بیشتر از دیگر ابعاد است. این میزان از توجه، نشان از اهمیت نقش مدیران بر عملکرد و دیگر متغیرهای مربوط به معلمان دارد. در این زمینه، پژوهشگران سعی در نمایاندن تأثیرپذیری متغیرهای نگرشی و رفتاری معلمان از ذهنیت و باورهای مدیران که نوع عملکرد و رفتار آنان را شکل می‌دهد، دارند. مطالعه پورظهیر و و توکلی (۱۳۹۰) شاهد این مدعاست. آنان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد دبیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که بعد انعطاف‌پذیری و جامعیت بیشترین سهم را دارا است. رابطه جزم‌اندیشی مدیران مدارس با میزان قانون‌مداری و درک معلمان از بوروکراسی مدرسه عنوان کار تحقیقی شیربگی و همکاران (۱۳۹۵) است که وضعیت جزم‌اندیشی و قانون‌مداری در بین مدیران و ادراک معلمان از بوروکراسی سازمان مدرسه را بالاتر از سطح متوسط

نشان می‌دهند؛ و نیز بین متغیرهای جزم‌اندیشی و ادراک معلمان از بوروکراسی سازمان مدرسه به لحاظ مدرک تحصیلی تفاوت معناداری یافتند. از معلمان دارای مدرک دیپلم میزان بوروکراسی بیشتری گزارش نموده‌اند و نیز میزان ادراک معلمان زن از بوروکراسی را بیشتر از معلمان مرد عنوان می‌کنند.

ویژگی‌های شخصیتی و نظام ارزشی مدیران مدارس آخرین بعدازاین حیطه است که هفت مقاله در این دسته قرار می‌گیرند. بررسی خصوصیات شخصیتی و شخصی مدیران و ارتباط آن با نقش‌های سازمانی مدیر مانند تعهد سازمانی، منابع قدرت مدیران و رضایت شغلی آنان، از موضوعاتی است که مورد مطالعه پژوهشگران بوده است. تعهد سازمانی و رضایت شغلی مفاهیمی هستند که از نظر محققان اهمیت زیادی در عملکرد مدیران داشته است. به طوری که تعهد سازمانی در نه مقاله و رضایت شغلی در پنج مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. شریفی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با رویکرد کمی، چهار بعد شخصیت (روان رنجور خویی، برون‌گرایی، همسازی و وظیفه‌شناسی) را در پیش‌بینی ابعاد تعهد سازمانی (عاطفی، مستمر و هنجاری) اثرگذار عنوان کردند. شیربگی و همکاران (۱۳۹۲) در یک مطالعه کیفی، به هدف بررسی و مقایسه سازه‌های شخصی مدیریت در میان مدیران باتجربه و تازه‌کار، تعداد ۴ مقوله اصلی (اخلاق، ارتباط، ویژگی‌های شخصی و عقلانی-عملیاتی) و ۱۳ زیر مقوله از سیستم سازه‌های شخصی مدیر را استخراج نمودند. آن‌ها نشان دادند که مقوله ارتباط، بیشترین درصد سازه‌های شخصی بین دو گروه مدیران باتجربه و تازه‌کار است؛ درحالی‌که کمترین آن برای تازه‌کارها مقوله عقلانی-عملیاتی و نیز برای مدیران باتجربه در مقوله اخلاق است. بحث نظام ارزشی، اشاره به باورهای معرفتی درباره پدیده‌های دنیای اطراف دارد. نوروزی و همکاران (۹۱) به مقایسه نظام ارزشی مدیران و معلمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین دو گروه از نظر نظام ارزشی که شامل ابعاد خیرخواهی، جهان‌گرایی، امنیت، خوداتکایی، سنت، قدرت، همنوایی، موفقیت، برانگیختگی و لذت‌طلبی است، تفاوت معناداری وجود ندارد. نظام ارزشی به‌عنوان چارچوب رفتاری و عملکردی افراد، نقش مهمی در چگونگی ایفای نقش و انجام وظایف آنان دارد.

سبک رهبری دومین حیطه اصلی مورد مطالعه است که دارای ۲۰ مقاله در مجموع و ۴ بعد مورد تأکید است. این ابعاد شامل پیامدهای رهبری بر بهره‌وری معلمان، نقش رهبری در ساختار سازمانی، ویژگی و مهارت‌های فردی مؤثر مدیران بر سبک رهبری آنان و اثرات سبک رهبری بر عملکرد مدیریتی است. در بعد اول، متغیرهای مربوط به معلمان شامل متغیرهای نگرشی (رضایت شغلی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی) متغیرهای عاطفی و روانی (فضیلت سازمانی، سرمایه اجتماعی، شادکامی، عزت‌نفس، سلامت روانی و امنیت روانی) و متغیر عملکرد است. سبک‌های رهبری موردبررسی نیز در این بعد شامل: رهبری توزیعی (۳ مقاله)، سبک

رهبری به‌طور کلی (۲ مقاله) رهبری اخلاقی (۲ مقاله) و رهبری امنیت مدار (۱ مقاله) است. مفاهیم مورد بررسی نشان می‌دهند که رهبری‌هایی که به سمت توزیع قدرت، توانمندسازی و دخالت دادن معلمان در تصمیم‌گیری تمایل دارند، از اولویت مطالعه و بررسی برخوردار بوده و محققان در این مطالعات سعی در نمایاندن اثرات مثبت این‌گونه سبک‌های رهبری نموده‌اند. به‌عنوان مثال مقاله یاسینی و همکاران (۱۳۹۱) با موضوع «تأثیر رهبری توزیع شده بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی معلمان مدارس» عنوان می‌کنند که رهبری توزیع شده پیش‌بینی‌کننده خوش‌بینی، رضایت و تعهد شغلی معلمان است. هم‌چنین، خلیجیان و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان رابطه بین رهبری امنیت‌مدار و شادکامی کارکنان مدارس: نقش میانجی امنیت روانی نشان دادند که بین رهبری امنیت‌مدار با امنیت روانی و شادکامی کارکنان رابطه وجود دارد. آنان عنوان می‌کنند در صورت وجود رهبری امنیت‌مدار در سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان‌های آموزشی و برقراری امنیت روانی می‌توانیم شاهد میزان بالاتری از شادکامی کارکنان باشیم.

نقش رهبری در ساختار سازمانی، بعد دیگری از حیثه سبک رهبری است که چهار مقاله را در برمی‌گیرد. سه مقاله، سبک رهبری تحولی را در رابطه با جو سازمان، سلامت سازمان و مؤلفه‌های کاربست سازمان یادگیرنده مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله چهارم نیز سبک‌های رهبری را به‌طور کلی در ارتباط با سازمان یادگیرنده مورد مطالعه قرار داده است. مطالعات انجام شده با رویکرد کمی و روش توصیفی-همبستگی است که پژوهش کیدوری همکاران (۱۳۹۶) از این دست است. نتایج این مطالعه نقش رهبری تحول‌آفرین را در سلامت سازمانی نشان می‌دهد. هم‌چنین، یافته‌های پژوهش زبردست و همکاران (۱۳۹۶) رهبری تحول‌گرا را در پیش‌بینی جوسازمانی و برعکس پیش‌بینی سبک رهبری تحول‌گرا را توسط جوسازمانی مؤثر عنوان کرد. رهبری تحولی از مفاهیمی است که در دهه ۱۹۹۰ جزء حیثه‌های اصلی بود (اپلاتکا، ۲۰۱۱؛ ترجمه شیربگی، ۱۳۹۷)؛ درحالی‌که با گذشت دو دهه، این مفهوم تنها در چند سال اخیر توجه پژوهشگران داخلی را جلب نموده است؛ آن هم در ارتباط با ساختار سازمانی مدارس.

ویژگی و مهارت‌های فردی مؤثر مدیران بر سبک رهبری آنان، سومین بعد از حیثه سبک‌های رهبری است که در آن هوش معنوی، هوش هیجانی، هوش اخلاقی و فلسفه تربیتی مدیران، متغیرهایی فرض شده‌اند که بر سبک رهبری مدیران اثرگذار هستند. همه این مطالعات با رویکرد کمی و روش توصیفی-همبستگی انجام شده است. باقر پور و عبدالعلی‌زاده (۱۳۹۱) بین رهبری معنوی و سبک رهبری تلفیقی (روحیه بالا و بهره‌وری بالا) رابطه مثبت و معناداری یافتند. هم‌چنین، خلخالی و همکاران (۱۳۹۰) فلسفه ماهیت‌گرایی توانایی تبیین سبک رهبری خلاقیت و

نوآوری و فلسفه پیشرفت‌گرایی با سبک رهبری بازشناسی و پیشرفت‌شغلی را دارد. این مطالعه در پی نشان دادن اثرات ویژگی‌های فردی و مهارت‌های مدیران در تعیین سبک رهبری آنان است.

آخرین بعد از این حیطه، در رابطه با اثرات سبک رهبری بر عملکرد مدیریتی است. سه مقاله ای که در این دسته قرار گرفتند، سبک رهبری به‌طور کلی، رهبری معنوی و خود بهسازی رهبران آموزشی را بر معنویت در کار، انگیزش و مهارت‌های خودتنظیمی مدیران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این بعد، مفاهیم رهبری، نه بر بهره‌وری معلمان، ساختار سازمانی و یا اثرات دیگر متغیرها بر سبک رهبری در دیگر ابعاد مورد سنجش بوده است، بلکه اثرات رهبری بر عملکرد فرد مدیر در کانون توجه قرار دارد. فرض بر این بوده است که سبک‌های مختلف رهبری، جهت‌گیری‌های مختلف عملکردی را برای شخص مدیر در پی دارد. پژوهش شیربگی و همکاران (۱۳۹۵) شاهد این مدعا است که خود بهسازی رهبری در میان مدیران مدارس رابطه معناداری با انگیزش و خودتنظیمی آنان دارد. نتایج نشان داد که تمایل مدیران به خودبهسازی بالاتر از میانگین مفروض است و مدیران زن از میانگین بالاتری نسبت به مدیران مرد برخوردارند.

سومین حیطه مربوط به شناسایی ابعاد مدیران توانمند است. تعداد ۱۱ مقاله در این حیطه قرار دارند که هرکدام به‌گونه‌ای به دنبال شناسایی و کشف ابعاد مربوط به مدیران توانمند جهت آماده‌سازی مدیران مدارس هستند. وجه تمایز این حیطه با دیگر حیطه‌ها در رویکرد پژوهشی مقالات است. تعداد ۱۰ مقاله با رویکرد کیفی و ترکیبی نوشته شده‌اند. ماهیت شناسایی مفاهیم و مقوله‌ها سبب می‌شود تا پژوهشگر با یک جهت‌گیری اکتشافی در پی استخراج مفاهیم در زمینه مورد بحث باشد. تنها یک مقاله با عنوان ویژگی‌های عمومی و حرفه‌ای مدیران در این دسته جای گرفته که آن‌ها با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. صدیق، نوه ابراهیم، آراسته و زین آبادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان واکاوی، رتبه‌بندی و ارائه الگوی مؤلفه‌های شناسایی مدیران مستعد مدارس با رویکردی ترکیبی، تعداد ۱۳ مؤلفه را شناسایی نمودند که از میان آنان مهارت ظرفیت‌سازی ویژگی‌های اخلاقی اشتیاق و مهارت‌های فردی و بین فردی در رتبه‌های اول اهمیت قرار داشتند. نشانگرهای یک رهبر آموزشی موفق «عنوان مقاله مرد، زین‌آبادی، عبداللهی و آراسته است (۱۳۹۶) که با رویکردی کیفی و روش پدیدارشناسی به استخراج ۳۶ نشانگر در ۵ مقوله تعیین جهت، مدیریت فرهنگ و جوسازمانی، نظارت و ارزیابی آموزشی، مدیریت بر فرایند یاددهی-یادگیری در مدرسه و رشد و توسعه حرفه‌ای دست‌یافت‌اند. مقاله بعدی از حسینی، عبداللهی، زین‌آبادی و ضرغامی (۱۳۹۶) است که مقاله‌ای با عنوان «شناسایی ابعاد و نشانگرهای رفتاری مدیران مدارس در بستر پارادایم کوانتمی» با روش تحلیل محتوای کیفی انجام داده‌اند که به استخراج ۸ بعد چشم‌انداز، تفکر، ارزش‌ها، شناخت، اعتماد، عملکرد،

ارتباط و یادگیری از ۹۵ نشانگر منجر شد. یافته‌های آنان، مقوله یادگیری را عامل تمایز مدیریت مدارس با دیگر انواع مدیریت‌ها می‌دانند.

سه مقاله‌ای که در این حیطه دارای یک جهت‌گیری ارزشی متمایز هستند، مقالاتی متکی بر الگو و چارچوب مبانی اسلام به‌عنوان یک ساختار برتر در جوامع اسلامی است که نظریه‌ی وابستگی حوزه مدیریت آموزشی به فرهنگ بومی (اپلاتکا، ۲۰۰۱) را مورد تأکید قرار می‌دهد. مقاله محمدی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «الگوی اسلامی-ایرانی مدیران مدارس اسوه در نظام آموزش و پرورش» با هدف طراحی الگوی مدیر آموزشی اسوه و ارزیابی مدیران مدارس براساس آن، نمونه بارز این جهت‌گیری ارزشی است. یافته‌های این مطالعه، پنج بعد شایستگی‌های اعتقادی، شایستگی‌های اخلاقی، شایستگی‌های مدیریتی فردی، شایستگی‌های مدیریتی گروهی و شایستگی‌های مدیریتی سازمانی است. همچنین، عارف‌نژاد (۱۳۹۶) محقق‌ی است که شایستگی مدیران مدارس را با تأکید بر مدیریت اسلامی، شناسایی و اولویت‌بندی کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه ترکیبی، مؤلفه‌های وجدان کاری، قانون‌مندی، شرح، مهربانی و نظم را شناسایی نموده است. هم‌چنین مقاله کوه‌گرد و شمشیری (۱۳۹۴) با عنوان صلح آموزی با اتکا به مبانی فلسفی عرفان اسلامی: دلالت‌ها برای مدیران آموزشی مفاهیم صلح آموزی را از مقاله‌ها و متون عرفانی جهت فراهم نمودن بستر تربیتی مناسب برای مدیران آموزشی در راستای کم کردن دشمنی و دگرگون‌سازی مفهوم دشمن، استخراج نمودند. مفاهیم مستخرج شامل اصل وحدت، اصل ظاهر و باطن، عشق و زیبایی، فطرت، تزکیه و تهذیب و دلالت‌های آن بود.

اثربخشی به‌عنوان آخرین حیطه اصلی با تعداد ۱۰ مقاله در دو بعد عوامل اثرگذار بر اثربخشی مدیران با ۷ مقاله و مدیر به‌عنوان عامل اثربخش با ۳ مقاله مشخص شد. نکته قابل ذکر این است که تمامی مقالات مربوط به این حیطه، از مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی است؛ دیگر مجلات به این موضوع نپرداخته‌اند و یا دست کم به‌طور مستقیم نپرداخته‌اند. کلیه مقالات در این حیطه دارای رویکرد کمی و به روش توصیفی-همبستگی است و تنها یک مقاله به روش فرا تحلیل انجام‌شده است. در بعد اول، مفاهیمی مانند کارآفرینی، هوش و اعتماد سازمانی، خودکارآمدی و مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی در ارتباط با اثربخشی مدیران مدارس مورد بررسی قرار گرفتند. به‌رنگی و طباطبایی (۱۳۸۸) در نتایج پژوهشی خود عنوان کردند که بین ویژگی کارآفرینی و اثربخشی مدیران آموزشی رابطه معناداری داری وجود ندارد و نمی‌توان براساس ویژگی‌های شخصیتی و تجربی کارآفرینی، اثربخشی مدیران را پیش‌بینی کرد. آنان عنوان می‌کنند که این عدم رابطه، نشان از نبود توسعه کارآفرینی در فهرست اهداف آموزش و پرورش است. شیربگی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان رابطه خودکارآمدی با

اثربخشی رهبری در بین مدیران رابطه معناداری بین این دو متغیر یافتند. رضایی و تارین (۱۳۹۶) یک مطالعه فرا تحلیل درباره عوامل مؤثر بر عملکرد مدیران مدارس انجام داده‌اند و یافته‌ها گویای آن بود که متغیرهای رضایت شغلی، ثبات مدیریت، سابقه مدیریت و خلاقیت و ابتکار به ترتیب بیشترین تأثیر و بزرگ‌ترین اندازه اثر را بر موضوع عملکرد مدیران مدارس داشته است.

در بعد مدیر به‌عنوان عامل اثربخش، مقولاتی مانند تعهد سازمانی دبیران، کیفیت آموزش‌های متوسطه و توسعه احساس کارآمدی معلمان، مفاهیمی هستند که میزان اثربخشی مدیران مدارس بر آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. صالحی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی رابطه میان میزان آمادگی دبیران جهت اجرای مدیریت کیفیت با فرهنگ سازمانی و اثربخشی مدیران پرداختند. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۳) رابطه استفاده مدیر از انواع قدرت را با اثربخشی و تعهد سازمانی دبیران بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه، قدرت پاداشی و قدرت قانونی با اثربخشی دبیران را دارای رابطه معنادار اما با تعهد سازمانی آنان فاقد رابطه عنوان می‌کند.

۲. حیطه‌های فرعی

ارزشیابی اولین حیطه فرعی است که تعداد ۷ مقاله در دو بعد ارزیابی از عملکرد مدیران مدارس با ۴ مقاله و اعتبارسنجی و هنجاریابی نظام ارزشیابی با ۳ مقاله، اسناد مورد تحلیل در این حیطه هستند. در بعد اول، عملکرد مدیران از نظر نگرش دبیران و کارشناسان، وضعیت نفوذ آرمانی مدیران، بسترهای نهادینه‌سازی نوآوری سازمانی و شایستگی‌های پایه مورد ارزیابی قرار گرفته است. بختیاری و همکاران (۱۳۹۴) وضعیت نفوذ آرمانی مدیران مدارس را بالاتر از میانگین ممکن ارزیابی کرده‌اند. سهامی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی نگرش دبیران و کارشناسان نسبت به عملکرد مدیران دارای مدرک مدیریت آموزشی و سایر رشته‌ها پرداختند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت بین عملکرد مدیران دانش‌آموخته رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و مدیران دانش‌آموخته سایر رشته‌های تحصیلی در مهارت‌های رهبری، انسانی، آموزشی، اداری-مالی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آن‌ها معنادار نیست. همچنین، نتایج مطالعه انجام شده توسط شیربگی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «ارزیابی مدیران مدارس از بسترهای نهادینه‌سازی نوآوری سازمانی» نشان داد که مدیران مدارس از لحاظ سه مؤلفه منابع زیرساخت و رویه رسمی در وضعیت مطلوبی است اما بستر فرهنگ نوآوری در مدارس نامطلوب ارزیابی شد.

در بعد اعتبارسنجی و هنجاریابی، دو مقاله از سه مقاله موجود، به اعتبارسنجی و هنجاریابی مدل ارزیابی خلاقیت پرداختند. نیکنامی و همکاران (۱۳۸۸) در طراحی و ارزیابی مدل علی خلاقیت و نوآوری مدیران آموزشی، وضعیت خلاقیت و نوآوری در مدیران مدارس شهر تهران را

در حد متوسط ارزیابی کردند. همچنین، وضعیت متغیرهای فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش را نیز به عنوان متغیرهای اثرگذار بر خلاقیت و نوآوری در مدیران مدارس شهر تهران در حد متوسط یافتند. نتایج حاکی از آن بود که متغیرهای فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش دارای رابطه و اثر مستقیم، مثبت و معنادار با متغیر خلاقیت در مدیران مدارس شهر تهران هستند و متغیرهای خلاقیت، فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش دارای رابطه و اثر مستقیم و مثبت با متغیر نوآوری در مدیران مدارس شهر تهران هستند.

سرجهانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان آسیب شناسی نظام ارزشیابی عملکرد مدیران مدارس با رویکردی کیفی و نگاهی منتقدانه به نظام ارزشیابی موجود، به کشف معایب نظام ارزشیابی و پیامدهای ناشی از آن پرداختند. نتایج نشان داد، مدیران مدارس از نظام ارزیابی عملکرد خویش ناراضی بوده و عمده مشکلات و نارسایی‌ها را ناشی از شیوه ارزیابی نامناسب و شاخص‌های تدوین شده می‌دانند که این موضوع خود باعث به وجود آمدن مسائلی از قبیل ایجاد نفاق و بدبینی سازمانی، بهره‌وری پایین، ایجاد سکون در فرایند یاددهی و یادگیری، رشد بی عدالتی و بی‌اعتمادی سازمانی، کاهش انگیزه و تغییر پست، فرسودگی شغلی و غیره می‌شود که در دو مقوله آسیب‌های فردی و سازمانی طبقه‌بندی گردید.

حیطه نگرش سنجی، دومین حیطه فرعی است که تعداد ۶ مقاله را در ابعاد سازمانی، فردی و فرایند یادگیری شامل می‌شود. منظور از نگرش سنجی، بررسی مسائل از دیدگاه افراد است. اینکه موضوع خاصی از نگاه و نظر فردی مورد بررسی قرار گیرد، نشان از اهمیت دیدگاه آن فرد در زمینه مورد بررسی است. در این حیطه، رابطه موضوعات و مفاهیم مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که وجه مشترک آن‌ها، بررسی این موضوعات از نگرش و دیدگاه مدیران مدارس است. رابطه فرهنگ سازمانی با اثربخشی مدارس، ارزیابی عملکرد معلمان، جایگاه ارزش‌های فردی و سازمانی، تحقق ابعاد سازمان یادگیرنده، ویژگی‌های سیستم مدیریت در مدارس و چالش‌های آموزش زبان انگلیسی مقولاتی هستند که نگرش و دیدگاه مدیر نقش مهمی در شناخت این مفاهیم و رابطه میان آنان دارد. از آنجا که عملکرد افراد به نگرش و دیدگاه‌های آنان وابسته است، این جهت‌گیری‌های فکری و ارزشی، در خلق معانی و عملکرد مبتنی بر آن‌ها تعیین‌کننده خواهد بود. برای مثال، غلامی و همکاران (۱۳۹۶) چالش‌های آموزش زبان انگلیسی را از دیدگاه مدیران آموزشی و معلمان مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله، از مدیران آموزشی به عنوان متخصصان درگیر در امر آموزش و مهم‌ترین افراد در کسب موفقیت آموزش و یادگیری زبان، یاد شده است.

آخرین حیطه که کمترین تعداد مقالات را دربر دارد، حیطه علم‌سنجی مدیریت آموزشی در جهت مقایسه حوزه در سطح ملی و فراملی به هدف بین‌المللی نمودن آن است. محمود پور و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه خود با عنوان بازشناسی چالش‌های فرا روی تجاری‌سازی پژوهش‌های مدیریت آموزشی با ارائه نظریه زمینه‌ای، ناتوانمندی علمی را به‌عنوان مقوله هسته‌ای، چالش اصلی در تجاری‌سازی مطالعات این حوزه عنوان کرده‌اند. مطالعه دوم مربوط به رسته مقدم و همکاران (۱۳۹۵) است. تأملی بر میراث مدیریت آموزشی با روش تحلیل اسنادی عنوان این تحقیق است که جامعه آن تمامی مقالات نمایه شده در وب‌گاه علوم طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۵ است. آنان به رتبه‌بندی تعداد مقالات، نویسندگان، مجلات و کشورهای برتر از نظر بیشترین تعداد مقاله پرداختند و هم‌چنین مؤثرترین نویسندگان و نشریات از نظر بالاترین استناددهی به مقالات آن‌ها مشخص شد و نرخ علمی رشد این رشته ۲۱/۴۲ تعیین گردید که بیش از ۹۰ درصد از مقالات مربوط به چهار دهه اخیر عنوان شده است. درنهایت پیشنهادهایی جهت توسعه حوزه مدیریت آموزشی ارائه شده است.

جدول ۶. رویکردها و روش‌های مورد استفاده در مقالات تخصصی مدیریت آموزشی

تعداد مقالات	روش‌های مورد استفاده	رویکردهای معرفت‌شناسی
۵۰	توصیفی-همبستگی	کمی
۱۳	توصیفی-پیمایشی	
۴	تحلیل محتوای کمی	
۲	توصیفی-تحلیلی	
۲	توصیفی-ارزشیابی	
۱	علی-مقایسه‌ای	جمع
۷۲	-	
۵	داده بنیاد	
۳	مطالعه موردی	کیفی
۲	تحلیل محتوای کیفی	
۲	پدیدار نگاری	
۲	فرا تحلیل کیفی	جمع
۱۴	-	
۷	کیفی-کمی (اکتشافی)	آمیخته
۱	کمی-کیفی (تبیینی)	
۸	-	جمع

جهت پاسخ به سؤال دوم، با این عنوان که رویکردها و روش‌های مورد استفاده در مقالات چه جهت‌گیری‌های معرفت‌شناسانه‌ای را در بردارند، همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، تعداد ۷۲ مقاله با رویکرد اثبات‌گرایان و کمی انجام شده است؛ که از این تعداد، ۵۰ مقاله با روش توصیفی-همبستگی، ۱۳ مقاله با روش توصیفی-پیمایشی، ۴ مقاله تحلیل محتوای کمی، تعداد ۲ مقاله روش توصیفی-تحلیلی، ۲ مقاله توصیفی-ارزشیابی و ۱ مقاله با روش علی-مقایسه‌ای انجام شده است. در ادامه می‌بینیم که تعداد ۱۴ مقاله با رویکرد تفسیری و کیفی انجام بوده که روش داده بنیاد با ۵ مقاله، بیشترین تعداد را دارد. روش مطالعه موردی ۳ مقاله، تحلیل محتوای کیفی ۲ مقاله، پدیدارشناسی ۲ مقاله و روش فرا تحلیل نیز ۲ مقاله را در بردارند. رویکرد آمیخته که نسبتاً، رویکردی جدیدتر است، کمترین تعداد مقالات را دارا است. تعداد ۷ مقاله با رویکرد آمیخته اکتشافی و تعداد ۱ مقاله با روش آمیخته تبیینی انجام گرفته است.

جهت پاسخ به سؤال سوم باهدف شناخت هویت و ویژگی نویسندگان جهت پی بردن به اهداف پژوهشگری آنان، نتایج این بررسی نشان داد که به‌طورکلی از تعداد ۹۴ مقاله منتخب، تعداد ۸۵ مقاله مستخرج از پایان‌نامه دانشجویان تحصیلات تکمیلی است و تنها تعداد ۹ مقاله توسط اساتید حوزه، خارج از کار پایان‌نامه دانشجویی نوشته شده است. لازم به ذکر است که هیچ یک از نویسندگان، سمت مدیریت اجرایی در سطح مدارس و حتی آموزش و پرورش را ندارند. این موضوع، شکاف میان تحقیقات و مسائل عینی در سطح مدارس را به‌روشنی نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها بود که با توجه به آنچه در مجلات داخلی حوزه مدیریت آموزشی منتشر شده است، ماهیت مدیریت آموزشی چیست؟ پارادایم‌ها و رویکردهای معرفت‌شناسانه مورد استفاده پژوهشگران کدام‌اند؟ یافته‌ها نشان داد که حیطه‌ها و ابعاد متنوعی وجود دارد که نشان می‌دهد پژوهشگران حوزه، به بررسی موضوعات و برخی جریان‌ها غالب با رویکردها و پارادایم‌های مختلف علاقه‌مندند. قضاوت درباره گستره موضوعات و راهبردهای پژوهشی صحیح در مقالات داخلی، نیازمند مقایسه این وضعیت با وضعیت موجود حوزه در سطح بین‌المللی است. اگر چه با توجه به تأثیرات زمینه‌ای بر تولید دانش در حوزه‌های علوم نرم مانند مدیریت آموزشی، نمی‌توان انتظار افشای حقایق جهانی و فارغ از متن زمینه را داشت؛ اما همان‌طور که در بخش مبانی عنوان شد، چارچوب نظری این پژوهش، رویکرد اپلاتکا (۲۰۱۰، ترجمه شیربگی، ۱۳۷۹) است. او شش حیطه را به‌عنوان میراث حوزه تا سال ۲۰۰۰ معرفی می‌کند که شامل: میراث تجربی، میراث عملی، میراث تربیت نیروی انسانی، میراث ارزشیابی و

میراث انتقادی است. همچنین وی حیطه‌های اصلی و فرعی حوزه را در پنج دهه (از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰) مشخص نموده است. با نگاهی به حیطه‌های به‌دست آمده از مقالات تخصصی داخلی، تشابهات و تفاوت‌هایی با حیطه‌های اپلاتکا مشاهده می‌شود که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

اولین حیطه اصلی مقالات داخلی در پژوهش حاضر ویژگی‌ها و مهارت‌های مدیریتی با ابعاد ۱- توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی مدیران مدارس ۲- اثرگذاری مدیر بر متغیرهای مربوط به معلمان ۳- ویژگی‌های شخصیتی و نظام ارزشی مدیران مدارس است که این حیطه با حیطه‌های اصلی و مهم دهه ۲۰۰۰ همسویی دارد که شامل: ۱- نقش و حرفه مدیران مدارس ۲- برنامه‌های آماده‌سازی مدیران مدارس ۳- فرآیندهای مدیریتی ۴- توسعه حرفه‌ای مدیران است. اپلاتکا از این حیطه به‌عنوان میراث عملی یاد می‌کند، چرا که به اعتقاد وی میراث عملی مرتبط با حرفه‌ای بودن رشته، دانش گسترده‌ای است که می‌تواند توسط شاغلین مدیریت آموزشی، از جمله سیاست‌گذاران و مدیران مدارس به‌کاربرده شود. امروزه با توجه به عدم برنامه‌های آماده سازی مناسب و در رأس نبودن این برنامه‌ها برای تربیت مدیران مدارس، وجود چنین مقالاتی می‌تواند حساسیت لازم را در راستای اهمیت چنین دانشی ایجاد نموده و اینکه راهنمای عملی باشد برای برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و بدو خدمت مدیران مدارس؛ چرا که داشتن تخصص و دانش حرفه‌ای برای کاربران این علم در مدارس، تنها را جهت انجام یا اقدام به اصلاحات مدارس و بهبود و توسعه عملکرد آن خواهد بود. هم‌چنین، نقش مدیران مدارس در عملکرد معلمان و روحیه و دیگر متغیرهای نگرشی آنان که اثرات مستقیمی بر کیفیت تدریس و فرایند یاددهی-یادگیری خواهد داشت، بارزتر شده و توجه بیشتر متخصصان و سیاست‌گذاران آموزشی را به سمت پرورش مدیران و توجه به امور آنان را سبب می‌گردد.

حیطه اصلی دوم، سبک‌های رهبری است با ابعاد نقش رهبری در ساختار سازمانی، ویژگی و مهارت‌های فردی مؤثر مدیران بر سبک رهبری آنان و اثرات سبک رهبری بر عملکرد مدیریتی. این ابعاد همسو با ابعادی هستند که در حیطه سبک‌های رهبری در سال ۲۰۰۰ مورد توجه بوده‌اند که عبارت‌اند از سبک رهبران، پیامدهای رهبری، رهبری و یادگیری، رشد رهبران، الزامات و چالش‌های رهبری، رهبری اثربخش و رهبران پیشرو. هم‌چنین با میراث ایدئولوژیک مطرح در آن دهه مطابقت دارد. وی بر این باور است که تمرکز بر رهبری آموزشی در مباحث حوزه از اواخر دهه ۱۹۸۰ میراثی ایدئولوژیک و نوین را تولید کرده که در تضادی آشکار با دیدگاه‌های معمول آموزش عالی است. بر این اساس، حجم زیادی از مقالات، محوریت و اهمیت رهبری آموزشی را در مرکز توجه قرار داده و نقش حیاتی رهبران آموزشی را در اثربخشی مدرسه و بهبود آن و سیاست‌گذاری برجسته می‌سازد. با نگاهی به عناوین مقالات این حیطه، وضعیتی آرمان‌گرایانه برای مفهوم رهبری قابل‌مشاهده است؛ مفهومی که به باور

اپلاتکا، برخاسته از مقالات مفهومی است. به این معنا که این مفهوم بیش از آنکه از زمینه برخیزد، در اذهان مفهوم‌سازی شد و همین امر سبب گردید تا بسیاری از الگوهای ایدئال روی سبک‌های رهبری پیاده‌سازی شود و محققان به دنبال طراحی و اجرای این الگوها و مطالعه پیامدهای آن در یک محیط آرمانی باشند. از این‌روست که اکثر مطالعات این حیطه، بر مفهوم رهبری تحولی، تحول‌آفرین، اخلاقی، توزیعی و سازنده گرا تأکید داشته و گویی رهبری آموزشی مفهومی است که نوش داروی بسیاری از مسائل نظام آموزشی و کارکنان و ذینفعان آن است. راه برون‌رفت از این مسئله، ورود به پارادایم‌های تفسیرگرایانه و برساختی است تا رویکردها و روش‌های کیفی را میان تحقیقات داخلی برجسته‌تر نموده و به تولید نظریه‌های وابسته به زمینه و کاربردی‌تر منجر شود. تنها ابعادی که در مقالات داخلی مورد تأکید نبوده اند، تبعیض، سوگیری جنسیتی و مسائلی از این قبیل است که جزء حیطه‌های اصلی در پنج دهه قبل بوده‌اند؛ اما هنوز به‌عنوان چالشی برای محققان داخلی مطرح نشده‌اند.

ابعاد شناسایی رهبران توانمند که تقریباً تمامی مطالعات در آن با رویکردی کیفی و آمیخته و با تکیه بر داده‌هایی برخاسته از زمینه انجام گرفته است؛ با بعد برنامه‌های آماده‌سازی مدیران است. این حیطه در دهه‌های گذشته در دسته حیطه‌های اصلی، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده است. اهداف اصلی در مطالعات این‌گونه ابعاد، ارائه برنامه‌ای جهت آموزش و آماده‌سازی مدیران و رهبران آموزشی بوده است. از این‌رو، جهت اعتباربخشی به یافته‌ها و ارائه ابعاد مورد نیاز در این برنامه، رویکردهای کیفی و مطالعات موردی بیشتری به چشم می‌خورد. این جهت‌گیری معرفتی از سوی محققان، نشان از آگاهی آنان از کارکردهای واقعی رویکردها و روش‌های تحقیق در زمینه‌های مختلف است. البته بیش از ۸۰ درصد مقالات این حیطه طی پنج سال اخیر و ۵۵ درصد آن‌ها در مجله مدیریت مدرسه به چاپ رسیده‌اند. اجماع مقالاتی در حیطه‌های مشخص، نشان از شروع اقداماتی در زمینه تخصصی نمودن و تحدید مرزهای دانش از سوی مسئولان آن مجله است. میراث حوزه در این رابطه تربیت مدیران مدارس، در هر دو سطح پیش از خدمت و ضمن خدمت است؛ که هم‌راستا با حیطه ذکر شده میان محققان و مقالات داخلی حوزه است که براساس این، حوزه مدیریت آموزشی به سیاست‌گذاران و اساتید در آماده‌سازی بهتر رهبران آموزشی کمک می‌کند و منجر به بهسازی نظام آموزشی هر کشوری که مجهز به این‌گونه دانش‌ها باشد، می‌شود.

اثربخشی، آخرین حیطه اصلی در این مطالعه است که در مقالات داخلی موردتوجه محققان بوده است. این حیطه در دهه ۸۰ و ۹۰ جزء حیطه‌های حاشیه‌ای قرار گرفته است. این حیطه در دو بعد عوامل اثرگذار بر اثربخشی مدیران و مدیر به‌عنوان عامل اثربخش دسته‌بندی شد. اگرچه

مقالاتی این‌چنین می‌توانست در دیگر حیطه‌ها مانند رهبری و مهارت‌های مدیریتی جای گیرد، اما با توجه به تعداد قابل‌توجهی از این مقالات و تأکید اصلی بر مفهوم اثربخشی در میان دیگر متغیرها، سبب مفهوم‌سازی این حیطه و متمایز نمودن آن به‌عنوان حیطه‌ای مستقل شد. دو بعد مورد نظر، به نقش مدیر از دو جهت اثرگذاری و اثرپذیری می‌پردازد. شناسایی نقش مدیر و رهبر آموزشی به‌عنوان علت و معلول اثربخشی، می‌تواند دنباله‌رو حیطه آماده‌سازی مدیران باشد؛ اما به هر حال، جای تأمل خواهد بود که چگونه باوجود عدم تأکید و یا تأکید ضعیف بر این حوزه در دهه‌های قبل، هم‌چنان به‌عنوان موضوع و مسئله تقریباً اساسی در میان پژوهشگران داخلی مطرح است.

ارزشیابی با دو بعد ارزیابی عملکرد مدیران مدارس و اعتبارسنجی و هنجاریابی نظام ارزشیابی، اولین حیطه فرعی است که تعداد مقالات کمتری را نسبت به حیطه‌های اصلی شامل شده است. این حیطه هم‌سو با حیطه‌های پنج دهه قبل است که جزء حیطه‌های اصلی و مهم بوده است. نکته قابل توجه این است که در مقالات خارجی، ارزیابی و پاسخگویی مدرسه عنوان شده است که با بررسی برخی مقالات این دسته، مشخص شد که بسیاری از این ارزیابی‌ها بر مبنای عملکرد مدیران است؛ اگرچه تعدادی نیز ارزیابی عملکرد معلمان و دستاوردهای دانش‌آموزان را شاخص ارزیابی مدرسه در نظر داشته‌اند. میراث ارزشیابی، سومین میراث مطرح در اثر پلاتکاست که وی از آن به‌عنوان گنجینه‌ای از گزارش‌های ارزیابی نام می‌برد که در آن‌ها سیاست‌گذاران و شاغلین مدیریت آموزشی و البته پژوهشگران این حوزه ممکن است دانشی درباره ارزش سیاست یا اصلاحات ملی و محلی، یک ارزیابی اولیه از آغاز، پیاده‌سازی، تداوم و تأثیرات بالقوه آن در نظام آموزشی خاص به دست آورده باشند. وی معتقد است براساس این میراث، اعضای حوزه مدیریت آموزشی، دروازه‌بان اصلاحات و سیاست‌های آموزشی نوین، عمدتاً در رابطه با اجرا و تأثیر آن‌ها بر مدارس و مدیران مدارس هستند.

نگرش سنجی با ابعاد سازمانی، فردی و فرایند یادگیری دومین حیطه فرعی است که محققان در پژوهش حاضر سعی کردند با معرفی این حیطه به نقش مدیران مدارس به‌عنوان صاحب‌نظر در موضوعات و پدیده‌های مختلف آموزشی از یک طرف و اهمیت انجام این‌گونه موضوعات را از طرف دیگر نمایان سازند. نظرسنجی و نگرش‌سنجی به‌عنوان ابزاری جهت مطرح نمودن انتقادات و ارائه پیشنهادها در زمینه‌ای خاص، می‌تواند توسط پژوهشگران مورد توجه واقع شود. حیطه ارزشیابی بدون حیطه نگرش سنجی، نمی‌تواند راهنمای عمل و ابزار بهبود عملکرد قرار گیرد. لذا، محققان در این مقاله، با مطرح کردن این حیطه، قصد نمایاندن اهمیت آن و ترغیب پژوهشگران حوزه به انجام چنین مطالعاتی است. چرا که نتیجه این‌گونه مطالعات در زمینه‌های مختلف آموزشی، راهنمای عملکردی مناسبی برای برنامه‌ریزان آموزشی از یک طرف و سنجش جهت

گیری‌های فکری مدیران مدارس به‌عنوان کاربران اصلی علم مدیریت آموزشی به هدف اصلاح و بهبود مفاهیم فکری و عملکردی مدیران مدارس عمل می‌نماید. وجود چنین حیطه‌هایی که در مطالعات فراملی کمتر دیده می‌شود، دلیلی است بر این مدعا که حوزه مدیریت آموزشی در طی زمان با تقسیمات ملی و تحت نفوذ بسترهای اجتماعی، فرهنگی و ملی شناخته شده است که به بافت ملی به‌شدت گره خورده‌اند.

علم‌سنجی مدیریت آموزشی به‌منظور بین‌المللی‌سازی حوزه آخرین حیطه فرعی مورد مطالعه است که کمترین تعداد مقالات را شامل می‌شود. شاید یکی از دلایل پایین بودن تعداد مقالات این حیطه، نوپا بودن این حوزه در سطح ملی و حتی فراملی است. چرا که علم‌سنجی معمولاً با هدف تعیین هویت و ماهیت صورت می‌گیرد و لازمه انجام چنین امری، وجود یک پیشینه تاریخی بلندمدت است تا بتوان با تکیه بر آن نمایی از هویت و ماهیت یک حوزه را به تصویر کشید.

در خصوص رویکردهای پژوهش، یافته‌ها نشان داد که درصد بالایی از پژوهش‌های انجام شده داخلی از رویکردهای کمی استفاده کرده‌اند که این امر اگرچه با توجه به نفوذ بالا و قدمت بیشتر این رویکرد نسبت به رویکرد کیفی و آمیخته، امری طبیعی می‌نماید؛ اما نکته اینجاست که راهکار افزایش تمایلات محققان به استفاده از دیگر رویکردها و آگاه نمودن آنان از ضرورت و فایده استفاده از دیگر رویکردها، در دست اساتید متخصص و سردبیران مجلات تخصصی است. به این صورت که آموزش انجام پژوهش‌های کیفی و تمایز و اهمیت نتایج برخاسته از آنها جهت شناخت پدیده‌های حوزه و عمق‌بخشی به دانش و کشف حقایق، باید در اولویت اهداف این افراد باشد.

در بخش هویت‌یابی نویسندگان، عدم حضور کارورزان و مدیران مدارس که سمت‌های اجرایی در مدارس دارند، ملموس‌ترین شکاف میان دنیای تحقیقات و یافته‌های علمی با مسائل عینی و واقعی موجود در مدارس. بنیان دانش، ابزاری بودن و کاربرد آن است و ارزش آن تا جایی است که بتواند برای حل مسائل و راهنمای سیاست‌گذاری استفاده شود. درحالی که آموزش و پرورش در تلاش برای دست‌یابی به بهبود کارایی فرایندهای یاددهی و یادگیری در کلاس درس است (نیسبت، ۲۰۰۵)؛ به نظر می‌رسد اعضای حوزه مدیریت آموزشی تنها افراد مسئول در علوم تربیتی و مطالعات مدیریتی هستند که برای بهبود جنبه‌های اداری و سازمانی مدرسه و اداره خود نظام‌های آموزشی تلاش می‌کنند. بوش^۱ (۲۰۰۰) پیش‌بینی می‌کند که نظریه و عمل در

مدیریت آموزشی قرن بیست و یکم به احتمال زیاد در پیوندهای قوی‌تر زمینه‌ای بین برودادهای آموزشی و توسعه کشور جای داشته باشد. رسیدن به این نقطه، نیازمند رفع چنین شکافی است. با نگاهی به دوره زمانی مقالات، یافته‌ها نشان داد که در مجلات منتخب، اولین مقاله تخصصی از سال ۱۳۸۶ مربوط به مجله مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی است. این سؤال قابل طرح است که چرا قدمت مقالات تخصصی در مجلات منتخب، از یک دهه بیشتر تجاوز نکرده است. دو دلیل عمده را می‌توان عنوان نمود. اول اینکه مجلات منتخب، طی یک دهه اخیر از درجه علمی-پژوهشی که یکی از معیارهای انتخاب در پژوهش حاضر است، برخوردار شده‌اند. لذا، مقالاتی که در دوره‌های قبل وجود داشته مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. دلیل دوم اینکه، از زمان تأسیس این مجلات بیش از یک دهه نمی‌گذرد. این موضوع اولین چالش برای حوزه مدیریت آموزشی در ایران است. اینکه تأسیس حوزه به‌عنوان یک رشته دانشگاهی مربوط به در سال ۱۳۴۶ باشد و چاپ مقالات تخصصی با درجه علمی-پژوهشی به چهار دهه بعد موکول شود، برای متخصصان و اساتید داخلی، جای بسی تفکر و تأمل در روند رشد و توسعه این حوزه دارد.

نکته دوم، پایین بودن درصد مقالات تخصصی در مجلات منتخب است؛ به‌طوری‌که محققان در ابتدا تصمیم گرفتند یکی از معیارهای گزینش مقالات، تخصیص حداقل ۲۰ درصد از کل مقالات مجله، به مقالات تخصصی مدیران مدارس باشد؛ اما به دلیل تعداد کم مقالات مورد نظر، این معیار به رتبه‌بندی مجلات تغییر یافت و چهار مجله‌ای که رتبه‌های برتر را داشتند به‌عنوان مجلات تخصصی در نظر گرفته شدند. لازم به ذکر است که در این میان، فقط مجله مدیریت مدرسه ۴۵ درصد از کل مقالاتش مربوط به مدیران مدرسه و متغیرهای مربوط به آن بود. بقیه مجلات پایین‌تر از ۱۸ درصد را شامل شدند. این مسئله نشان می‌دهد که پژوهشگران حوزه، هنوز تصویر واضحی از اهداف و ماهیت حوزه مدیریت آموزشی ندارند. این امر سبب می‌شود تا به موضوعات حاشیه‌ای‌تر مانند موضوعات برنامه درسی و معلمان بدون برقراری رابطه با متغیرها و مفاهیم مدیریت مدرسه بپردازند.

یافته‌های پژوهش حاضر از اشارات کاربردی خاصی برخوردار است: نخست آنکه، شواهد نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی، چه از نظر ماهیت و هدف و چه از نظر کاربرد و ضرورت، هنوز در جایگاه یک رشته علمی قرار نگرفته و از نظر مبانی علمی-تخصصی در سطح دانشگاهی و از نظر حرفه‌ای و مهارت عملی در سطح مدارس، دارای ابهام و عدم شفافیت است. لازمه خروج از این چالش در مرحله اول ایجاد یک بینش علمی صحیح نسبت به این حوزه است. خاستگاه بینش علمی، دانشگاه است. منظور از بینش علمی، جایگزین نمودن عینیت به‌جای ذهنیت در افراد است. به‌عبارت‌دیگر، عقاید و نظریات شخصی، تمایلات ذهنی، اغراض، تعصبات و پیش‌داوری‌های شخصی کنار رود و به مسائل و پدیده‌ها با نظر علمی نگریده و تجزیه و تحلیل شود. این کارکرد

از سوی دانشگاه با انجام مطالعات و تحقیقات علمی اتفاق می‌افتد که نه تنها موجب گسترش مرزهای دانش شده، بلکه در شخصیت افراد و عادات ذهنی، طرز تفکر و برخورد آن‌ها با مسائل، تأثیری عمیق می‌گذارد (کلدی و فلاح، ۱۳۸۸: ۷۳).

دوم آنکه نقش سردبیران نشریات تخصصی مدیریت آموزشی در توسعه مدیریت آموزشی با اقداماتی مانند جلوگیری از گسترش بی‌رویه قلمروهای مطالعه به ورای مرزها و هویت حوزه (به‌طور مثال: با مشخص کردن نوع کارهایی که میل دارند چاپ شود) و تشویق مجوز ورود حیطه‌های نوین علوم تربیتی در گفتمان حوزه مدیریت آموزشی (به‌طور مثال با انتشار ویژه‌نامه‌ها)، می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد. اگرچه تکررگرای معرفت‌شناسانه محدود، فرصت مغتنمی برای پیشرفت علمی حوزه مدیریت آموزشی است اما بدون اولویت‌بخشی به مرزهای فکری و هویت متمایز ممکن است منتج به چندپارگی بنیان دانش حوزه شود.

و نهایتاً اینکه، در خصوص وضعیت کنونی مدیریت آموزشی به نظر می‌رسد همگام با تحولات جهانی در این حوزه در حال حاضر محققان مدیریت آموزشی در ایران درصدد نشان دادن توانایی خود جهت تولید پژوهش‌های قابل تکرار و عمل‌محور هستند. علاوه براین، شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌هایی مانند انجام پژوهش‌های تجربی در خصوص رهبری آموزشی، بازتعریف و گسترش فهم بیشتر از این رشته، استفاده از ابزارهای روش‌شناختی و چارچوب‌های مفهومی متنوع و نهایتاً بهره‌گیری ابزارهای فرا تحلیل به سمت یکپارچه نمودن یافته‌های این رشته و استخراج مبانی دانشی آن هستیم.

منابع

- Bagherpour, M., & Abdollahpour, H. (2012). The Relationship between Spiritual Intelligence and Leadership Principals in Gorgan's High School. *A New Approach to Educational Management*, 3 (2): 87-97.
- Bazargan, Z. (2003). New Approaches to Educational Management. *Psychology and Educational Sciences, University of Tehran*, 33 (2).
- Becher, T. (1989). *Academic tribes and territories: Intellectual enquiry and the cultures of disciplines*. London: The Society for Research into Higher Education & Open University Press.
- Behrangi, M, R; Navehebraham, A, R., & Yousefzadeh, R. (2014). Investi gating the relationship between Philosophical mindset of managers of high school in Amol and Teachers' Mentality and Adoption of Science Education Management Model. *Approches to Educational Management*, 5 (1): 1-21.
- Behrangi, M, R., & Tabatabai, S. (2009). Investigating the relationship between entrepreneurship and the effectiveness of principals at high school in Kerman. *A New Approach in Educational Management*, 2 (3): 66-78.
- Bridges, D. (2006). The disciplines and discipline of educational research. *Philosophy of Education*, 40(2), 259-272.
- Blumberg, A. (1989). *School administration as a craft*. Boston, MA: Allyn and Bacon, Inc.
- Campbell, R. F. (1979). A critique of the "Educational Administration Quarterly". *Educational Administration Quarterly*, 15 (3). 1-19.

- Caldy, A. & Fallah, F. (2009). Investigating the basic functions of each university from the point of view of students, *Journal of Social Sciences*, 3 (1): 92-73.
- Capper, C.A. (ed.) (1993). *Educational administration in a pluralistic society*. New York: State University of N.Y. Press.
- Derafsh, H; Farhadi., Rad, H. & Abharakpour, A. (2017). The Role of Talent Management in Organizational Health in Secondary Schools in Ahvaz. *School Administration*, 5 (2): 1-20.
- English, F. (1997a). The cupboard is bare: The postmodern critique of educational administration. *School Leadership*, 7 1, pp. 4-25.
- English, F. (1998a). The postmodern turn in educational administration: Apostrophic or catastrophic development? *School Leadership*, 8 5, pp. 426- 447.
- English, F. (2002d, May). On the intractability of the achievement gap in urban schools and the discursive practice of continuing racial discrimination. *Education and Urban Society*, 34, 3, pp. 298-311.
- Foskett, N. Lumby, J. & Fidler, B. (2005). Evolution or extinction? Reflections on the future of research in educational leadership and management. *Educational Management, Administration & Leadership*, 33(2), 245-253.
- Foster, W. (1999). *Administrative science, the postmodern, and community*. In P.T. Begley (ed.), Values and educational leadership (pp. 97-113). New York: State University of New York Press.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of knowledge and the discourse of language*. A.S. Smith (trans). New York: Pantheon Books.
- Gholami, F., M., Fathi-Wahjarah, K. & Abolghasemi, M. (2017). Challenges of English Language Teaching in the Iranian Education System from the Perspectives of Educational Managers and English Language Teachers. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 8 (2): 162-194.
- Glass, T. (2000). *The History of Educational administration through its Textbooks* (Translated by Naser Shirbagi, 2018)
- Greenfield, T. and Ribbons, P. (1993). *Greenfield on educational administration*. London: Routledge.
- Hallinger, P; & Chen, H. (2014). Review of research on educational leadership and management in Asia: A comparative analysis of research topics and methods, 1995–2012. *Educational Administration & Leadership*, 42(4), 1-23.
- Khalijian, S., Shams; G., Pardakhtchi; M, H., and Mirkamali; Seyyed Mohammad. (2017). The relationship between security leadership and the happiness of school staff: the role of the mediator of psychological security, *School Administration*, 5 (2): 1-20.
- Khalkhali, Khalatbari, J and Admitted, Maryam. (2011). The Relationship between Educational Philosophy and the Leadership Style of School Directors. *A New Approach in Educational Management*, 2 (2): 23-40.
- Kidouzi, A.H.; Mohammadi Hosseini, S. A. & Hosseinpour, A. (2017). The Role of Transformational Leadership in School Organizational Health: An Intermediate Role of Organizational Justice. *School Administration Journal*, 5 (2): 1-20.
- Klein, J.T. (1993). *Blurring, cracking, and crossing permeation and the fracturing of discipline*. In E. Messer-Davidow, D.R Shumway & D.J. Sylvan (eds.), *Knowledges: Historical and critical studies in disciplinarity* (pp. 185-205). Charlottesville: University Press of Virginia.
- Kohgard, M. & Shamshiri, B. (2016). Instructions with the exception of management purposes. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 7 (2): 17-37.
- Lewontin, R. (1997). *Billions and billions of demons*. The New York Review of Books, 44, 1, pp. 28-32.
- Mard, S. M.; Zainabadi, H. & Arasteh, H.R. (2017). Indices of a successful educational leader; findings of a phenomenological study, *School Administration Journal*, 5 (2): 1-20.
- Mirmakali, S.M.; Romyani, Y. & Abdul Wahabi, M. (2016). Explaining the Role of Knowledge and Attitude in Managing the Change of Khorramabad School Principals in Their Creativity. *School Administration Journal*, 4 (2): 23-44.

- Mohammedi, A. & Purgaz, A. (2013). The Relationship between Thinking Styles and School Principals' Power Sources. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 4 (3), 117-138.
- Mohammadi, M., Jahani, J., Shafi'i, M., Latifi, M. & Verdi Ala'i, T. (2016). The Islamic-Iranian Model of Aswah School Principals in the Education System: A Qualitative Research. *School Administration Journal*, 4 (2): 1-21.
- Mohammadpour, A. (2018). *Counter-Method: The Philosophical Underpinings and Practical Procedures in Qualitative Methodology* (Second Edition). Logos.
- Mohammadpour, B.; Rahimian, H.; Abbaspour, A. & Delaware, A. (2012). Marketplaces of career management training sessions with contextual theory. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 3 (3): 1-26.
- Mokhtarian, F.; & Jahed, H. A. (2013). Explaining educational management as a discipline. Second National Conference on Modern Management Sciences, 8-1.
- Murphy, J. (1995). The knowledge base in school administration: Historical footings and emerging trends. In R. Donmoyer, M. Imber and J. Scheurich (eds.), *The knowledge base in educational administration*. SUNY Press, New York, pp. 62-73.
- Murphy, J. Vriesenga, M. & Storey, V. (2007). Educational administration quarterly, 1979-2003: An analysis of types of work, methods of investigation, and influences. *Educational Administration Quarterly*, 43(5), 612-628.
- Mysticism, M. (2017). Identifying and prioritizing the components of school principals' competencies with emphasis on Islamic management. *School Administration Journal*, 5 (1): 151-172.
- Nasiri, F.; Ghanbari, S. & Serchani, Z. (2016). Exploring the Growth of School Principals, Foundation Data Theories. A New Approach to Educational Management, 7 (4): 1-26.
- Nave Ibrahim, A.R. (2011). Research in a decade of publication of articles in the Journal of *Education Planning and Management (2008-2009)*. *Education*, 26 (3): 1-24.
- Nicknami, M.; Taqipour Zahir, A., Delawar, A. & Ghaffari, M. (2009). Design and Evaluation of Causal Model of Innovation and Creativity of Educational Managers in Tehran. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 2 (5): 1-28.
- NoardSadei, M.; NaveIbrahim, A. R., Arasteh, H. and Zeinabadi, H. (2017). Analysis, ranking and presentation of the pattern of identifying principals of non-governmental talented school principals in Tehran. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 8 (3): 1-28.
- Nowruzi, N. & Marzouki, R. (2012). A Comparative Study of the Cultural Values System of Principals and Teachers Based on Schwarz's Theory of Fundamental Values. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 3 (2): 99-118.
- Oplatka, I. (2009b). The field of educational administration: An historical overview of scholarly attempts to recognize epistemological identities, meanings and boundaries from 1960s onwards. *Educational Administration*, 47(1), 8-35.
- Oplatka, I. Foskett, N.H. & Hemsley-Brown, J. (2002). Educational marketisation and the headteacher's psychological well-being: A speculative conceptualization. *British Journal of Educational Studies*, 50 (4), 419-441.
- Oplatka, I. (2010). *The Legacy of Educational Administration: the history Analysis of an Academic Field*. (Translation by Sherbagi, Naser, 2018): Contemporary works.
- Poorzahir, A. T., & Tavakoli, R. (2011). Investigating the Relationship between Philosophical Mindset High of the High Managers and the Performance of Teachers in District 4. *Management and Planning in Educational Systems*, 4 (6), 80-63.
- Rasteh Moghaddam, A; Abbaspour, A, & Jalali, A. (2016). Reflection on the World Heritage of Educational Management. *Management and Planning in Educational Systems*. 9 (16): 84-51.
- Rezaei, B., & Tarin, H. (2017). A meta-analysis of research on factors affecting the performance of school principals. *School Administration*, 5 (2): 1-20.
- Ribbins, P. (2006). History and the study of administration and leadership in education: Introduction to a special issue. *Educational Administration and History*, 38(2),113-124.

- Rowan, B. (2006). *Truth or consequences? Reflections on the theory movement and its aftermath in education*. In D.E. Mitchell (ed.), *New foundations for knowledge in educational administration, policy and politics* (pp.53-69). Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates.
- Salehi, M.; Kaltash, A. & Ebrahimi, S. (2008). Investigating the relationship between managers' readiness to execute management more closely with organizational and tactical managers. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration* 1 (2): 91-110.
- Sahami, S; Ghaisari, M., & Abbasi, Z. (2012). Investigating the attitude of teachers and staff towards the performance of managers with a degree in management and educational planning and other disciplines. *New Approach to Educational Management*, 3 (4): 85-97.
- Sarjahani, Z., & Jahani, J. (2011). The study of the effect of individual factors on the creativity of school principals in Shiraz. *A New Approach to Educational Management*, (5): 51-70.
- Sarjahani, Z., Zare, R., Ghanbari, S., and Gholtash, A. (2018). Pathology of the Performance Evaluation System of School Directors: Qualitative Research. *School Administration*, 6 (2): 1-20.
- Shirbagi, N., Zebardast, M. A., & Amani, S. (2017). The Study of Self-Development of Principals, Leadership and Its Relationship with Motivational Factors and Self-Regulatory Skills. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 9 (17).111-130
- Shirbagi, N., Fatehi, R. & Bolandhematn, K. (2017). The relationship of Principals' Dogmatism with their Rule Orientation and Teachers' Understanding of the School Organization Bureaucracy. *Journal of Managing Education in Organization*. 5 (2): 129-166.
- Shirbagi, N., Azizi, N., Zebardast, M. A., & Nosrati, R. (2012). The Relationship Between Self-Efficiency and Leadership Effectiveness Among High School Managers in Guilan, *A New Approach to Educational Management*, 3 (4): 37-50.
- Sarmadi, M, R; Pakseresht, M, J., Safaei Moghaddam, M., & Mehrali Zadeh, Y. (2009). A Critique of Taylor's Anthropology and its Consequences in Educational Management. *Ferdosi University Educational and Psychological Studies*: 10 (1), 97.
- Sharifi, S., Salimi, G., and Ahmadi, A. (2010) Investigating the Relationship between Personality Traits and Organizational Commitment in principals of elementary, middle and high school in Khansar. *A New Approach to Educational Management*, 1 (4): 80-105.
- Tahmasebi, A.; Taheri, A. M. & Ahmadi, A. (2014). The Relationship between Managers' Use of Power and the Effectiveness and Organizational Commitment of Teachers. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*, 5 (3): 145-162.
- Yassini, A., Mohammadi, F., & Yassini, T. (2012). The Impact of Distributed Leadership on Organizational Commitment and Job Satisfaction of Karaj Elementary School Teachers (Investigating the Mediating Role of Teachers' Academic Optimism). *Management and Planning in Educational Systems*, 6 (12), 146-174.

**Representing the Identity of the Educational Administration in Iran with
Emphasis on the Articles Published in the Specialized Journals**

S. Nemat¹, N. Shirbagi* , N. Azizi² & A. Nave Ibrahim³

Received: 2019/02/23

Accept: 2019/08/20

Abstract

Objective: To study the nature of the field of education administration and in Iran, recognizing the disciplinary boundaries of, dentifying areas of study by researchers, the epistemological approaches, the demographic characteristics of authors and finally providing a model for qualitative expansion of scientific indicators the present study was conducted.

Materials and Methods: The research was performed with an interpretive-constructive approach and content quality analysis method of. The research field was the field of educational administration and articles published in specialized journals in Iran. The sampling method was purposeful and criterion-oriented. For this purpose, all journals related to educational management from the two main groups of educational sciences and the collection of management that were indexed in the list of scientific-research journals by the Ministry of Science, Research and Technology until December 2016 were examined. In the first phase of sampleing, four journals (*School Aministartion, Organizational Education Administration on organizations, New Approach to Educational Administration and Management and Planning in Educational Systems*) were selected, which had the highest percentage of specialized articles compared to all published articles in the field of educational management. In the second phase of sampling, all specialized articles published in these journals (94 articles) were selected. In order to collect the data a researcher-made checklist was used, which includes information related to articles such as: research title, field of research, type of epistemological approach, research method and authors' demographic information.

Result and Discussion: The research findings showed that four main areas of research under the heading of managerial characteristics and skills, leadership styles, identifying effective leaders can be identified. Also, three sub-areas of research under the titles of evaluation, attitude assessment of school community have been considered by researchers in the field of educational administration. In total, 77% of the studies were done with a positivist and quantitative approach, and only 13% of the research was done with a qualitative or mixed approach. About

1. PhD. candidate in Educational Administration, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.

* Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran. nshirbagi@uok.ac.ir.

2. Professor, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.

3. Professor, Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Archive of SID

90% of the articles were extracted from graduate student dissertations, and about 10% of the rest of the articles were from independent researchs or projects in different institutes. All the authors of the articles were either university faculty members or students under their guidance. In the organizational affiliation, none of the school practitioner or independent researchers of educational administration was mentioned. The quantitative expansion of the number of specialized journals in the last two decades shows the efforts of the professors in this field to promote independence and special nature of educational administration from the educational sciences and efforts to increase the link between theory and practice. The research findings have useful implications: First, it seems that in line with global developments in the field of administration and leadership, in the past decade in Iran, specialized journals and educational administration researchers seek to demonstrate their ability to produce practical research. The focus was specifically on school administration. Second, the field of educational administration and leadership is witnessing progress in conducting experimental research on educational leadership instead of educational administration, redefining and expanding further understanding of the field of educational administration and leadership, using methodological tools and diverse conceptual frameworks in researchs. Finally, the use of meta-analysis techniques to integrate the knowledge base of educational administration has been considered by the new generation of researchers.

Keywords: Educational Leadership, Educational Sciences, Field Nature, School Principals, School Management.